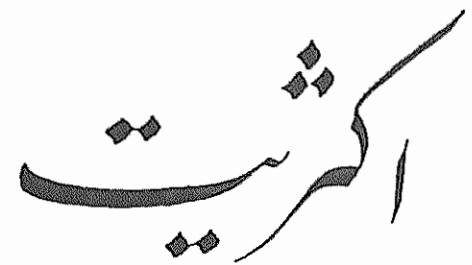


جمهوری اسلامی در تنگنا

مهاجرانی معاون رفسنجانی:

سوریه از طریق مذاکره با آمریکا توانست از آزادی گروگان های آمریکایی به نفع خود استفاده کند. رفتار حافظ اسد باید سر مشق قرار گیرد.



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۹ برابر با ۳۰۳
۷ مه ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره

علیه اظهارات معاون رفسنجانی، تظاهرات و اعتراضات متعددی توسط خط امامی های دو آتشه برپا شد

دادستان انقلاب اسلامی تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

بزودی ۱۰ نفر به جرم جاسوسی برای آمریکا اعدام خواهند شد

محاکمه این افراد در دادگاه های غیر علنی و بدون برخورداری متهمان از حق دفاع از خود صورت گرفته است

سید ابراهیم رئیسی، دادستان انقلاب اسلامی تهران، اعدام قریب ۱۰ نفر را به اتهام جاسوسی برای آمریکا اعلام داشت. بنا به اظهارات نامبرده این افراد به "تجاسات مختلفی منجمله جاسوسی به نفع سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، جمع آوری اطلاعات و اخبار پیرامون وضعیت نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور و ارسال آنها به سازمان سیا، دریافت پیام بوسیله دستگاه هایی که توسط آمریکایی ها در اختیار این افراد قرار داده شده بوده و همچنین دریافت

پیام های دستوری، ارسال نامه های کثیری به صورت نامرئی در ارتباط با اطلاعات و اخبار نظامی، مسافرت های مختلف به خارج از کشور جهت ارائه گزارش پیرامون وضعیت کشور" دستگیر شده بوده اند. چنان که رئیسی خبر می دهد برای این افراد حکم اعدام صادر شده و طی چند روز آینده حکم به اجرا در خواهد آمد. رئیسی به بهانه میهمی از ذکر اسامی و تعداد دقیق آن ها خودداری کرد و گفته است: "اسامی آنها را چون هنوز اقدام نشده اعلام نمی کنم و تعداد آنها حدود ۱۰ تن می باشد که تابعیت همه آن ها ایرانی است".
قابل ذکر است که این خبر در یک مصاحبه مطبوعاتی که در آن عملکرد دادسرای انقلاب اسلامی در مرصه های مختلف تشریح می شد اعلام گردید. در بخش های دیگر این مصاحبه، رئیسی اقدامات دادسرای انقلاب اسلامی را در مبارزه با "ضد انقلاب" بقیه در صفحه ۲

تشکر کرد، اما تاکید نمود ایالات متحده تا هنگامی که هنوز گروگان های آمریکایی در لبنان وجود دارند، حاضر به اقدام متقابلی نیست.
از سوی دیگر، روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز که بلندگوی وزارت خارجه رژیم جمهوری اسلامی محسوب می شود، پس از آزادی دو گروگان آمریکایی نوشت اینک وظیفه کشورهای غربی است که برای آزادی اسرای لبنانی، به اسرائیل فشار وارد آورند. این روزنامه افزود ایران "میانجی گری خود در بحران گروگانها را بدون پاسخ شایسته از سوی غرب ادامه نخواهد داد".
بقیه در صفحه ۳

در روز ۲۲ آوریل رابرت پل هیل و در روز ۳۰ آوریل، فرانک رید از اسارت گروه های شیعه لبنانی رهایی یافتند. این دو آمریکایی، به ترتیب از سال ۱۹۸۷ و ۱۹۸۶ گروگان دستجات وابسته به جمهوری اسلامی در بیروت بودند. بدین ترتیب، شمار گروگان های غربی در لبنان به ۱۵ نفر کاهش یافت. از این تعداد، ۲ تن آمریکایی، ۲ نفر آلمانی، ۲ تن سوئیسی، سه گروگان بریتانیایی، یک نفر ایرلندی و یک تن ایتالیایی اند.
چرخ بوش رئیس جمهور آمریکا در حالیکه پل هیل در کنار او ایستاده بود، شامگاه دوشنبه ۳۰ آوریل از سوریه و ایران به خاطر اقدام جهت آزادی رید

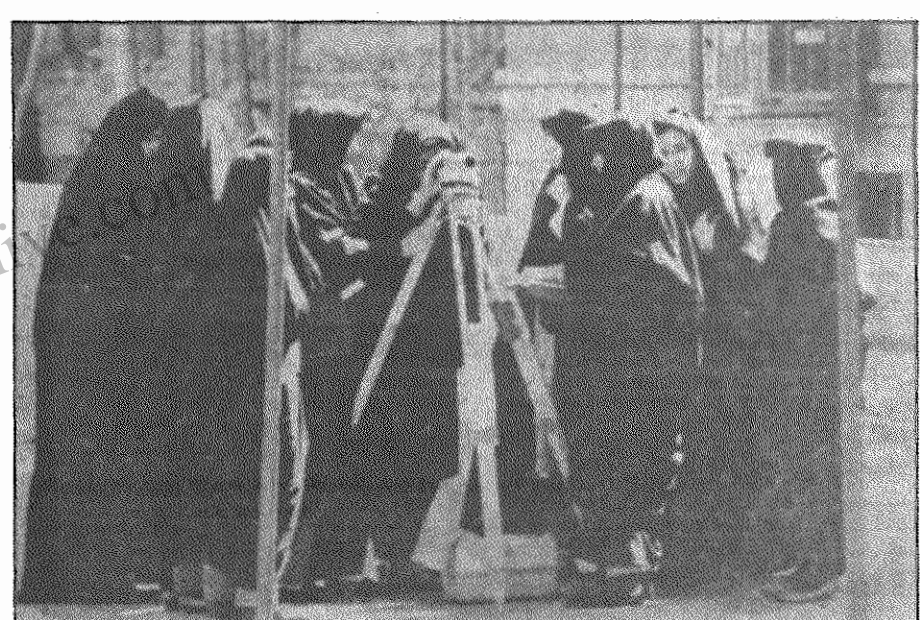
هویت دوتن از عاملین ترور کاظم رجوی اعلام شد

هنوز مشخص نیست که آیا تروریست های جمهوری اسلامی موفق به گریز از سوئیس شده اند یا نه

ترور مخالفان سیاسی اثر نتیجه درگیری های درونی قلمداد می کند، این بار هم مزورانه ترور کاظم رجوی را نتیجه منازعات درونی سازمان مجاهدین خلق عنوان کرد. روزنامه های رژیم در این زمینه از اعلامیه های معمولی که در همین چارچوب مسئولیت ترور توسط یک گروه برعهده گرفته شده است، نام برده اند.
در هفته گذشته علی اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم حین مصاحبه ای که با خبرنگاران در نیویورک در مقر سازمان ملل ترتیب داده شده بود مورد حمله سه ایرانی قرار گرفت. آنها با فریادهای خود به افشای ولایتی و رژیمش بخاطر جنایات بی شمار و تروریسم در درون و بیرون مرزهای کشور پرداختند.

به دنبال ترور دکتر کاظم رجوی در سوئیس، پلیس ژنو اعلام کرد که موفق به شناسایی هویت دوتن از قاتلان وی شده است. پلیس سوئیس هکس و مشخصات این دو تن را منتشر کرد. این دو تن یداله صمدی، ۳۳ ساله و سید محمد رضوانی معرفی شده اند. در روزنامه های سوئیس نوشته اند که احتمالاً ۴ یا ۵ نفر مستقیماً در این ترور شرکت داشته اند. اینکه آیا تروریست های جمهوری اسلامی از سوئیس خارج شده اند، یا نه هنوز مشخص نیست. قبلاً اعلام شده بود که تروریست ها با پاسپورت جمهوری اسلامی چند روز قبل از جنایت وارد سوئیس شده و در طبقه مقنن متلی در ژنو اقامت گزیده اند. ماشین گلف آبی رنگی که سازهاتی پس از ترور کاظم رجوی در نزدیکی فرودگاه پیدا شد توسط همین دو نفری که نام آنها اعلام شده است کرایه شده بود.
جمهوری اسلامی به روال همیشگی که پس از

* در ژنو اعلام شد که جسد دکتر کاظم رجوی برای دفن به هرات حمل شده است.



هکسی که در بالا مشاهده می کنید، نمونه دیگری از رنج آفرینی و آزاردهی رژیم ولایت فقیه است. در هکس تعدادی از دانشجویان دختر در حال کار با دوربین نقشه برداری (نیوو) با چادر هستند. جمهوری اسلامی مثل دیو وارونه کار رفتار می کند. در شرایطی که همه دنیا در جهت ایجاد وسائل راحتی و آسایش انسان در حال تغییر و تحول است، این حکومت فقط مشکلات مردم را افزایش می دهد و بر ناراحتی آنان می افزاید. تاسف انگیز است که در دهه پایانی قرن بیستم، میهن عزیز و باستانی ما در چنگال چه هیولائی نرفت انگیزی گرفتار شده و در این میان چه هذابی را ناچار است تحمل کند. باشد که ایران آزاد شود و همه آثار و نشانه های این رژیم عهد هیتی از محاکمت عزیز ماز دوده گردد.

پیرامون برخورد طرفداران سلطنت با سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو

دموکراسی این آقایان!

داشته است. این مقالات با مضمون دفاع از "تاریخ پادشاهی ایران" و دفاع از "میراث های ملی" به قلم کسانی است که در زمره هواداران مشروطیت و یا سلطنت به حساب می آیند.
از آنها که محافل وابسته به سلطنت و هواداران پادشاهی مشروطه اخیراً مباحثی را در نشریاتشان و از جمله در کیهان لندن پیرامون مطرح کرده اند، دمکراسی مقالات این آقایان در برخورد با نظریات غیرمتعارف احمد شاملو حائز اهمیت ویژه ای است.
نگارنده این سطور نیز می کوشد تا آقایان را تنها با چوب گذشته ها گز نکند و در مورد اندیشه ها، برداشتها و خواسته های امروزی نشان با تامل بیاندیشد.
تامل! اما نه تنها در واژه ها، نوشته ها و گفته ها، که در بازتاب این اندیشه ها در رفتار اجتماعی شان، موضعی که آقایان طرفدار "سلطنت" و یا "مشروطه" در برابر سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو گرفته اند، از این نظر قابل تامل بسیار است.
تاکید این نکته ضروری است

که هدف از نوشته حاضر به هیچ وجه تائید همه گفته ها و چگونگی برخورد احمد شاملو با شاهنامه فردوسی نیست. نخست بدلیل آنکه متن کامل این سخنرانی درست نیست؛ دوم بسبب آنکه بررسی نظرات شاملو در این زمینه خودمبصحتی جداگانه و قابل تعمق است.
نحوه برخورد با شاملو که نظریاتی طرح کرده است، معیاری بدست می دهد برای قضاوت در باره دمکرات منشی این آقایان.
موضوع چیست؟ مرکز پژوهش و تحلیل مسائل بقیه در صفحه ۵

جنایت تازه رژیم در بلوچستان

در محیط ایجاد رعب و وحشت می کرده اند.
اعدام این افراد، در پی درگیری های مسلحانه اواخر فروردین ماه در منطقه صورت می گیرد که طی آن نیروهای سپاه، کمیته و ژاندارمری با نیروهای مسلح محلی مخالف درگیر شدند و در این جریان ده ها نفر به قتل رسیدند. درگیری مذکور بزرگترین رودرونی مسلحانه حکومت با مخالفان مسلح در منطقه در ماه های اخیر بود.

به دستور دادگاه انقلاب زاهدان، ۴ نفر دیگر از مخالفان حکومت در منطقه که وابسته به ایل ناروئی هستند، در زاهدان و در ملاوهام اعدام شدند. در اتهاماتی که دادستانی به این افراد نسبت داده، گفته شده است که آن ها علیه امنیت کشور اقدام کرده و در درگیری های اخیر با نیروهای سپاه و کمیته ها شرکت داشته و در ارتباط با "اشرار مسلح" فعالیت می کرده اند.
علاوه بر آن ادعا شده است که این افراد با قاچاقچیان مرتبط بوده و

اعلامیه مشترک:
حزب دموکرات کردستان ایران
حزب دموکراتیک مردم ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سازمان فدائیان خلق ایران
بمناسبت اول ماه مه
در صفحه ۲

در صدمین سالگرد روز جهانی کارگر،

درواه برچیدن بساط استبداد حاکم و استقرار دموکراسی،

متحدانه مبارزه کنیم!



عکس از زهرا بهرامپور عکس بر گزیده سومین مسابقه عکس آفریما ۶۷ با موضوع شادی

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ (اول ماه مه ۱۹۹۰)، صدمین سالگرد روز جهانی کارگر است. جشن وحدت و همبستگی امسال، یک قرن مبارزه کارگران و استثمار شونده کشورهای مختلف جهان را در راه حقوق بنیادی خود به پایان می‌رساند و سدهای دیگر از این پیکار را آغاز می‌کند.

سالگرد اول ماه مه، علاوه بر تجدید خاطره کارگران شیکاگو که در مبارزه برای روز کار ۸ ساعته جان باختند، بعنوان سمبل همبستگی بین‌المللی، بیانگر تمایلات قلبی کارگران و استثمار شونده‌ها برای اتحاد در مبارزه با خطر اهداف مشترکشان، مانند حقوق و آزادی‌های سندیکائی و سیاسی، بهبود سطح زندگی و شرایط کار، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. در نتیجه این مبارزات و مقابله مداوم با قدرتهای حاکم اقتصادی و سیاسی است که بخشهای مهمی از این اهداف در بسیاری از کشورهای متقدم یافته‌اند و در قوانین ملل مختلف و متاوله نامه‌ها و قواعد بین‌المللی تثبیت شده‌اند. همچنین در تداوم چنین مبارزاتی است که امروزه، جهات دیگری به مبارزات نیروی کار افزوده شده است که خواست مشارکت روزمره در اداره امور تولید و جامعه و تمایل فزاینده به نظامی خودگردان در سطوح مختلف جامعه، در مرکز آنها قرار دارد.

جشن امسال، در همین حال با حرکتی وسیع در سطح کل جهان و در جهت نوسازی جشن کار در سطوح مختلف سندیکائی و سیاسی مقارن است.

در دوره‌ای که جهان دستخوش تحولات عظیمی است، کشور ما ایران در چنگ تاریک اندیش‌ترین رژیم موجود در جهان اسیر است. رژیم جمهوری اسلامی، کارگران و مردم ایران را از تمام حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی، از آزادی در انتخاب پوشش گرفته تا آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، تشکل و تمیز و آزادی اعتراض و اعتصاب محروم کرده و با بکارگیری اشکال مختلف اعمال فشار و سرکوب می‌خواهد زندگی مادی و معنوی مردم را در قالب‌های تنگ و تاریک و خفه‌کنندهی صدها سال قبل محبوس کند.

ترانامه رژیم اسلامی در سراسر دوران حیاتش بیانگر یک فاجعه‌ی کامل برای مردم ایران است:

تا آنجا که به حقوق سندیکائی و سیاسی کارگران مربوط می‌شود، سرگذشت قانون کار، آئینهی تمام‌نمای سیاستهای ضدکارگری رژیم اسلامی است. در طول ۱۱ سالی که از حیات رژیم می‌گذرد، سه قانون کار از طرف رژیم ارائه شده است. دو قانون اول که بر اساس دیدگاه اسلامی کارگران را بردگان مسلوب‌الاراده کارفرما می‌شمرد و روابط کارگر و کارفرما را مطابق باب ۱۱ «چاره» تنظیم می‌کرد، زیر فشار اعتراضات کارگران پس گرفته شد. طرح سوم نیز که پس از سه سال بحث و کشمکش میان مجلس اسلامی و شورای نگهبان، در مهر ماه سال گذشته به تصویب رسیده بود، بار دیگر با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد و مجلس از سرناچاری آن را به «شورای تشخیص مصلحت نظام» فرستاد. این قانون نیز البته ضمن حذف برخی از آرایه‌های ترین مواد قوانین قبلی، همچنان قانونی ارتجاعی و ضددموکراتیک است که هیچ یک از حقوق بنیادی کارگران مانند حق اعتصاب و حق تشکل مستقل و افزایش دستمزد متناسب با تورم را بر سمیت نمی‌شناسد. سرکوب و نابودی هرگونه جمع و تشکل صنفی و مستقل کارگری، دستگیری و شکنجه و حبس کارگران مبارز و فعالین سندیکائی، اخراج فری و دستجمعی هزاران تن از کارگران کارخانجات مختلف رساندن شمار بیکاران به رقمی نزدیک به ۵ میلیون، استقرار و گسترش انجمن‌ها و ارگان‌های دست‌نشانده ضدکارگری در کارخانجات از قبیل انجمن‌های اسلامی و دیگر اقدامات ضدکارگری گوشه‌هایی دیگر از فشارها و تعدیات رژیم اسلامی بر توده کارگران ایران است.

راه خروج از مجموعه تناقضات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که رژیم اسلامی برای مردم ایران به ارمان آورده است، برچیدن بساط استبداد حاکم و استقرار دموکراسی است تا مردم بتوانند حاکم بر سرنوشت خود باشند و آزادانه درباره مسائلشان تصمیم بگیرند. استقرار آزادی و دموکراسی، نه فقط راه را بر احقاق حقوق اقشار مختلف مردم می‌گشاید، بلکه پیش‌شرط حل تدریجی مسائل اقتصادی نیز بشمار می‌آید.

رژیم اسلامی بنا به دیدگاه خود، رژیمی ایدئولوژیک و استبدادی و تمام‌خواه است که آزادی و دموکراسی را دشمن اصلی خود می‌داند، قادر به رقابت آزاد با هیچ نیروی سیاسی نیست و لذا به چماق و سرکوب تکیه می‌کند.

سرکوب کارگران، سرکوب خلق‌ها و بویژه سرکوب جنبش ملی - دموکراتیک کردستان و مبارزه خلق کرد در راه خواست دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان، گوشه‌ای از کارنامه رژیم است.

تمام جناح‌های رژیم اسلامی، حتی کسانی که از بی در و پیکرترین اشکال فعالیت اقتصادی دفاع می‌کنند، هنگامی که به حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی شهروندان می‌رسند، معیارهای ایدئولوژیک اسلامی را هلم می‌کنند و در موضع مخالفت و خصومت با این حقوق و آزادی‌ها قرار می‌گیرند. بهمین دلیل نیز هست که نمی‌توانند روی هیچ برنامه‌ی واحد اقتصادی و اجتماعی هماهنگی به توافق بر سنده و به خنثی کردن طرح‌های ممدیگر اکتفا می‌کنند. رژیم اسلامی حتی افراد و جریاناتی مانند منتظری و نهضت آزادی را که انتقادات و اعتراضاتشان را با تأیید اساس رژیم، قانون اساسی آن و چشم بستن بر بسیاری از جنایات آن طرح می‌کنند، تحمل نمی‌کند. بنابراین، نه مجاشات با رژیم و در خواست ساده‌اندیشانه آزادی از آن، نه شعار سر تا پا متناقض «جمهوری

دموکراتیک اسلامی" و نه فکر احیای سلطنت موروثی که فلسفه‌ی وجودیش با حاکمیت و مرجعیت مردم در تناقض است، نمی‌تواند به استقرار آزادی و دموکراسی در ایران بیانجامد. راه تأمین حاکمیت مردم ایران و تأمین آزادی و دموکراسی عبارتست از سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر.

در صدمین سالگرد اول ماه مه و سالی که در پیش روداریم، در چارچوب مشی سرنگونی رژیم و استقرار دموکراسی، از شعارهای عام سیاسی مانند آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، سندیکاها و احزاب و آزادی انتخابات و از خواست‌های کارگری زیر دفاع کنیم و برای بسیج بیشترین نیرو و خول این مشی و شعارها و خواستهای ما بجوشیم.

- تهیه قانون کار مترقی با مشارکت کارگران

- افزایش حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم

- طرح طبقه‌بندی مشاغل

- تأمین اجتماعی شامل بیمه درمانی، سوانح، از کار افتادگی و غیره.

- مبارزه علیه اخراج کارگران و دفاع از بازگشت کارگران اخراجی

- ایجاد اشتغال و بیمه بیکاری برای کارگران بیکار.

- انحلال انجمن‌های اسلامی

- حق اعتصاب

- حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگران

- تأمین حق کارگران برای برگزاری آزاد و مستقل ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر.

گسترده باد همکاری و همگامی نیروهای که برای سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار جمهوری مبارزه می‌کنند!

حزب دموکرات کردستان ایران حزب دموکراتیک مردم ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرتی) سازمان فدائیان خلق ایران
اول اردیبهشت ۱۳۶۹

مهرندی چندی پیش اعلام کرد که این هیات، سیاست واگذاری قطعات بزرگ زمین به بخش خصوصی را که از طرف وزارت خانه مربوطه دنبال می‌شد، پذیرفته است.

کار کرده ساله

هیئت های

واگذاری زمین

فاضل مهرندی در دیدار با هاشمی رفسنجانی آمار فعالیت هیات را در طول دهسال گذشته اعلام کرد. او گفت که در طی این مدت حدود ۵۰۰ هزار هکتار موات احیا و به ۹۰ هزار خانوار واگذار شده است. او همچنین گفته است که در این فاصله حدود یک میلیون و سیصد هزار هکتار اراضی واگذار شده کشت موقت تحت نظارت و اداره ۲۲۰ هزار خانواده روستاست.

انتصاب فرمانده جدید

نیروی هوایی سپاه

خانمهای طی حکمی فرمانده نیروی هوایی سپاه را تغییر داد و شخصی بنام حسین دهقان را به این سمت گمارد. در این حکم خطاب به این شخص آمده است که او باید: «با ایجاد انتظامات شایسته موجبات شکوفائی آن نیرو را در چارچوب مأموریت‌های آن فراهم ساخته و آن را برای دفاع از میهن اسلامی مجتهد نماید.» همانطور که حکم خانمهای نشان می‌دهد، تلاش این است که در کنار و به موازات نیروی هوایی ارتش، نیروی هوایی سپاه دوام و قوام پیدا کند.

دو فیلم کوتاه ایرانی،

پلاک طلا و برنز "ادئون" گرفتند

ادئون در یوگسلاوی برنده جایزه طلا و برنز شدند. جایزه طلا را فیلم "بادوربین بدون اندیشه" از آن خود ساخت و جایزه برنز نصیب فیلم "تسوی دیوار" شد.

فیلم کوتاه "با دوربین بدون اندیشه" کار محمد قاسمی و فیلم کوتاه "تسوی دیوار" توسط گروهی از جوانان هلاکت‌نبد سینما در نجف‌آباد و گرگان تهیه شده، در جشنواره فیلم‌های کوتاه

میزان معاملات بورس اوراق بهادار

در فروردین ۶۹

بررسی آمار معاملات بورس اوراق بهادار تهران موی‌آن است که طی فروردین ماه ۶۹، ۲۵ شرکت در معامله بورس شرکت کرده و سهام خود را عرضه کرده‌اند. از میزان سهام عرضه شده آن‌ها، حدود ۲۳۹ هزار ریال معامله شده بود.

میزان معاملات بورس اوراق بهادار در فروردین سال گذشته ۱۵ شرکت در معامله بورس اوراق بهادار شرکت داشته و از سهام عرضه شده آن‌ها، بیش از ۳۴ هزار سهم به ارزش بالغ بر ۹۹ میلیون ریال معامله شده بود.

علیرغم افزایش میزان ارزش معاملات در بازار بورس بهادار تهران در سال جاری، میزان معاملات کماکان در مقایسه با حجم نقدینگی بخش خصوصی بسیار نازل است. با ملاحظه قرار دادن معاملات فروردین، کل معاملات بورس تهران در سال جاری کمتر از ۸۰۰ میلیون تومان خواهد بود. این میزان در مقایسه با ۱۹۰۰ میلیارد تومان نقدینگی بخش خصوصی مبلقی فوق‌العاده ناچیز بوده و نشانه شکست سیاست دولت رفسنجانی در جلب سرمایه‌های بزرگ تجاری به فعالیت در مرصه‌های تولیدی است.

ایران آماده دور جدید

مذاکرات صلح با عراق است

ولایتی در نیویورک اعلام کرده که هر جمهوری اسلامی آماده است که هر زمان که دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کند با طرف عراقی وارد مذاکرات صلح شود. ولایتی در گفتگو با رویتر، وزیر خارجه عراق، طارق عزیز را متهم کرد که در راه انجام مذاکرات برای اجرای قطعنامه ۵۹۸، مشکلات ایجاد می‌کند. او همچنین گفت که او انتظار داشته است که طارق عزیز به نیویورک مسافرت کند، اما وزیر خارجه عراق این مسافرت را القو کرده است.

بزودی ۱۰ نفر به جرم جاسوسی

بقریه از صفحه اول "سارترین مسلح" "اخلالگران اقتصادی و فارگران بیت‌المال"، "چاقاق مواد مخدر" و "منکرات" بر سر مرده است.

در مصاحبه تنها به تشریح عملکرد دادسرای انقلاب اسلامی در موارد فوق‌الذکر اکتفا نشده و کوشش شده است با ذکر تدارکات و انتظارات این دادسرا برای اقدام در این موارد، زمینه‌ای برای سیاست‌های افراطی و دستاویزی برای پیشبرد جنگ جناحی نیز فراهم آورده شود. رئیس‌ی با گفتن این که "وضع بدحجابی در تهران بسیار بد است و احساس می‌شود که از آن به عنوان یک حربه سیاسی استفاده می‌شود و دشمن امروز از آن جهت مقابله در جبهه ارزشی استفاده می‌کند و از گزارشاتی که از جاسوسان خواسته می‌شده است گزارش لحظه به لحظه وضعیت اجتماعی کشور بوده است... نتیجه می‌گیرد: "نهی از منکر در نظام که نظام امر به معروف و نهی از منکر است باید انجام شود و با مساله بدحجابی برخورد شود. نیروهای انتظامی موظفند با توجه به دستوراتی که از سوی دادستان انقلاب صادر شده است و دست آنها باز است با بدحجابی به شکل قاطع برخورد کنند..."

کوشش برای پیشبرد جنگ جناحی، در برخورد به مورد متهمین به جاسوسی برای آمریکا به صورت بارزتری متجلی می‌شود. دادستان انقلاب اسلامی تهران "مساله جاسوسان آمریکائی" را نشان دهنده این می‌داند که آمریکا دست از توپخانه و دسیسه علیه نظام "بر نداشته است و ضرورت قاطعیت عمل در مقابل آن باقی است.

به این ترتیب جان ۱۰ انسان دیگر قطع نظر از هر اتهامی که به آن‌ها وارد شده است، و سبیل‌های می‌شود تا جناح افراطی با توسل به آن معارضه با سیاست گرایش به فرب جناح مقابل که این روزها خاصه در برخورد منعطف‌تر در قبال مسئله آزادی گروگان‌های آمریکائی در لبنان بروز یافته است، برخیزد.

با صدور حکم اعدام برای این افراد را اساسا به دلیل مخالفت مان با هر نوع حکم اعدام و هم چنین به دلیل آن که متهمان محروم از هرگونه حق دفاع از خود در دادگاه‌های علنی بوده‌اند قویا محکوم می‌کنیم.

جمهوری اسلامی در تنگنا

رابرت پل هیل در اسارت گروهی به نام "جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین" و فرانکرید گروگان باندی به نام "نصر اسلام" بود. هم نامی که این دو گروه (و شاید یک گروه) برای خود انتخاب کرده اند و هم تأکیدات صریح مقامات جمهوری اسلامی، بر وابستگی آنها به تهران دلالت می‌کند. اما دولت سوریه با استفاده از این نکته که دمشق مرکز مذاکرات پیرامون گروگانها و نیز محل آزادی گروگانها و تمویل آنها به سفارت آمریکا بود، و با سازمان دادن جنجال رسانه‌ای و تبلیغاتی، چنین القا کرد که خود باعث آزادی گروگانهای آمریکایی شده است. جمهوری اسلامی هصبانیت خود را از اینکه سوریه، بویژه آزادی پل هیل را به نام خود تمام کرده است، پنهان نکرد و کوشید در مورد رید، از نظر همه نشانی تهران در آزادی گروگان مزبور روشن باشد. هصباالله مهاجرانی، معاون رفسنجانی، طی مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات نوشت سوریه از طریق مذاکره با آمریکا توانسته است از آزادی پل هیل به سود منافع خود استفاده کند و خواستار گرفتن سرمشق از حافظاسد شد.

تهران: تظاهرات افراطیون علیه مهاجرانی

معاون رفسنجانی با مقاله خود که در سنجش با معیارهای جمهوری اسلامی جسورانه بود، کاسه صبر حزب اللمی‌های افراطی

اطلاعات

۱۳۶۹/۲/۱۷

مذاکره مستقیم

از: سید عطاءالله مهاجرانی

«جیمز بیکر» وزیر خارجه آمریکا چندی قبل اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقیماً مذاکره کند. ممکن است بگوئید به همین دلیل گفتنای در کار و توطئه‌های برهاسد والا چگونه است که بیکر پیشنهاد مذاکره مستقیم را داده است. در هر حال این خود شیوای است که صرف نظر از سنجش سخن و موضع، صرفاً به همین اعتبار که گوینده چه کسی است می‌توان بر سخن خط بطلان کشید و در پس هر حرفی توطئه‌ای را کشف کرد. به گمان می‌توان از زاویهای دیگر نیز مذاکره مستقیم را سنجید و بین مذاکره مستقیم و مذاکره غیرمستقیم، طرف بهتر یا لااقل آنکه شرش کمتر است را برگزینیم. فرضهای ما از این قرارند:

- ۱- ما قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتیم، گردش کار و تداوم این قطعنامه با هدایت دبیرکل سازمان ملل و عملاً زیر نظر شورای امنیت انجام می‌شود. آمریکا عضو دائم شورا و نیز مؤثرترین عضو است.
 - ۲- از زمان پیروزی انقلاب تا به حال مابین آمریکا و ایران مسائل متعدد و متنوعی از قبیل بلوکه شدن داراییهای ایران و جلوگیری از ارسال قطعات یدکی خریداری شده که مصرف نظامی داشتند و... وجود دارد.
 - ۳- چهار نفر از اتباع ما و نیز تعداد قابل توجهی از مسلمانان مظلوم لبنان از جمله شیخ عبید در دست گروههای طرفدار آمریکا و اسرائیل به گروگان گرفته شده‌اند.
 - ۴- عراق به عنوان دشمن بالفعل و بالقوه ما با بهره‌گیری از امکانات جهانی و سازماندهی محاسبه شده روابط بین‌المللی و دیپلماسی خود هر روز در جهت تقویت نظامی و سیاسی خود پیشرفت کرده است.
 - ۵- و بالاخره بازسازی صنعتی و اقتصادی کشور و گذر از تخریبهای عظیم دوران جنگ وظیفه محتم ماست که کمترین درنگی در آن پذیرفته نیست. اینها فرضهای قضیه بود. مذاکره در تاریخ عالم و آدم همواره به عنوان اسری بسیار بدیهی که نیاز به برهان و توجیه ندارد به کار گرفته شده است.
- مذاکره مستقیم انبیا الهی با دشمنان خدا و خلق، سنت و سیره پیامبر اسلام و امیرمؤمنان و سایر ائمه معصومین، عرف انقلابیون و سیاستمداران مستقل دنیا و بالاخره این برهان و بیته که مذاکره به معنی پذیرش سلطه و انقیاد نیست، امری درخور توجه است به ویژه آن که در دنیای امروز ما نخواستیم دیواری بلند به دور کشور و مردم بکشیم و در دنیای «فنی رابطنه» زندگی کنیم. داستان گروگانها، داستان عبرت‌آموزی است به همین اعتبار که دولت دوست و برادر سوریه از مذاکره مستقیم با آمریکا پرهیز نکرده، تبدیل به ستاره تبلیغاتی ستاروی آزادی گروگانها شده و مصالح و منافع ملی‌اش را پیش برده و کمی کیف نقش ایران به تعبیر رئیس جمهور آمریکا بر آمریکا پوشیده مانده است!
- به گمانم اگر در شرایط ویژه‌ای که هستیم مصلحتهای کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم، بهرمان از دست رفتن فرصتها برای انقلاب و کشور و ملتی خواهد بود که دشمنانش می‌خواهند فرصتهای او را بگیرند و سالها پس از سالها بگذرد و ما در وادی بازی با شمار مثل بازی با یخ متوقف بمانیم.

داد بار دیگر ابتکار عمل را در دست بگیرند. علیه معاون محتشمی صورت گرفته بود. خود محتشمی، بارها گفته و نوشته بود که نباید برای آزادی گروگانهای قریب در لبنان اقدامی کرد. موضع رسمی جمهوری اسلامی این است که فالانژیست‌های لبنان هم از چند سال پیش چهار دیپلمات ایرانی را به گروگان گرفته‌اند، اسرائیل نیز تعدادی اسرای شیعه لبنانی و از جمله یک شیخ حزب اللمی بنام عبید را در اختیار دارد، و اگر قرب می‌خواهد تابش در لبنان از اسارت رهایی یابد، به فالانژیست‌ها و اسرائیل برای آزادی این عده، فشار وارد کند. اما موضع دیگری نیز مطرح است، امری که مدتها موضوع محبوب رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی بود، اما چندی است که هلتا بیان نمی‌شود: میلیاردها دلار درآی می‌سود شده دولت ایران در آمریکا و نیز سلاحهایی است که رژیم شاه بهای آنها پرداخته اما آمریکا تحویل آنها را متوقف کرده است. به نظر می‌رسد خیال جناح رفسنجانی و جناح محتشمی در مورد اینکه باید گروگانهای قریب در لبنان را به ویژه در آزادی گرفتن این مبالغ و سلاحها معامله کرد، اختلافی نباشد. اما افراطیون به رهبری محتشمی، بیشتر به خاطر اینکه مانع بهره‌برداری سیاسی رفسنجانی از پیشرفت روابط با قرب شوند، با پیشدستی در آزادی گروگانها مخالف بوده‌اند، یا حداقل در لفظ ابراز مخالفت کرده‌اند. مقاله اخیر مهاجرانی، به خطابه‌های دو آتشه امکان

موضع گیری ملایم خامنه‌ای علیه مذاکره با آمریکا

در روز ۱۲ اردیبهشت، خامنه‌ای طی یک سخنرانی در مورد مقاله مهاجرانی و واکنش‌های آن، موضع گرفت. وی مصلحتاً در مورد اینکه با مذاکرات با آمریکا مخالف است، سخن گفت و افزود دولت بدون اجازه من با آمریکا مذاکره نمی‌کند، من هم با مذاکره مخالفم، دولت هم چنین نظری ندارد. (نقل به معنی) در همین حال، جانشین خمینی به لزوم «دیپلماسی فعال» اشاره کرد و در خاتمه، یادآور شد حزب الله در برابر موضع گیری‌های افراد «ساده لوح و مرعوب آمریکا» مانند مهاجرانی نباید به دشنام روی آورد، بلکه با «سلاح منطق» با آنها مقابله کند. قابل تصور است که اگر خمینی زنده بود، واکنش بسیار تندتری در برابر چنین مقاله‌ای می‌داشت.

رفسنجانی نیز با کله از دولت جرج بوش که چرا مثل «یک کودک لجاجت و هتدهای» قدر عمل «نسانی» گروگان گیرهای لبنانی را ندانسته است، ناچار شد تکرار کند که با رابطه با آمریکا مخالف است. وی خطاب به ایالات متحده گفت: «ما بارها به شما گفته‌ایم که نمی‌خواهیم با شما حرف بزنیم».

تحولات مهم در خاورمیانه

همزمان با آزادی دو گروگان آمریکایی، در خاورمیانه تحولاتی در جریان است که جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار می‌دهد. برای نخستین بار پس از شکل گیری اختلاف شدید میان سوریه و مصر، حسنی مبارک

رئیس جمهور مصر در هفته گذشته از دمشق دیدار رسمی به عمل آورد. پس از ملاقات چهار جانبه روسای جمهور مصر، سوریه، لیبی و سودان در فروردین ماه، سفر مبارک به سوریه گام دیگری در جهت تغییر صفت بندی‌های چند ساله در منطقه است. جمهوری اسلامی که چندی است لیبی را به عنوان متحد پایدار از دست داده است، می‌رود تا با خروج سوریه از انزوا در دنیای غرب، دچار مشکلات سیاسی جدیدی شود. دهها میلیون بشکه نفت رایگان، فرستادن زائران مجهز به دلار به بازار دمشق و موارد دیگری باج دهی آخوندها به حافظ اسد، نتوانسته است این سیاستمدار ماکیاولیست عرب را به وفاداری ترغیب کند. اسد، راه خود را می‌رود، به ویژه پس از اینکه دریافت است شوروی نیز دیگر حاضر نیست تا ابد بار مسلح کردن ارتش سوریه را بردوش بکشد. سفارت اسرائیل در قاهره هنوز با برجاست، اما دیگر کمتر کشور عربی وجود دارد که بدین خاطر، به قطع رابطه با مصر پنجاه میلیونی ادامه دهد. سوریه هم از این قاعده مستثنی نیست. شعارهای تندوتیز ترجمه شده از فارسی به عربی، برای حافظ اسد نان و آب نمی‌شود. البته نزدیکی مصر و سوریه الزاماً به معنای تیرگی روابط تهران و دمشق نیست، اما خامنه‌ای و رفسنجانی دیگر به خوبی می‌دانند که حمایت سیاسی سوریه در آینده برای آنها به نرخ گران تری تمام خواهد شد. برای سوریه، چشم انداز امیدبخش تری از اتحاد دو گانه با جمهوری اسلامی وجود دارد: بازگشت به «مبستگی عربی» و حتی، در لحظه مساعد، آشتی با همسایه نیرومندش، عراق.

مذاکره با آمریکا: مخفی یا هلنی؟

هیچ تردیدی وجود ندارد که نه خامنه‌ای و نه رفسنجانی اگر برای حفظ حکومت اسلامی مذاکره، بندوبست و حتی دادن پوئن‌های یک جانبه به آمریکا را لازم بدانند، لفظهای هم در این امر تامل نخواهند کرد. حتی در زمان حیات خمینی نیز در جریان سفر مک‌فارلین به تهران

مذاکرات مخفی گسترده‌ای با واشنگتن صورت گرفت. رفسنجانی به انجام این مذاکرات اعتراف کرد و خمینی نیز با پرخاش به چند نماینده مجلس که در این مورد سئوالی مطرح کرده بودند، نشان داد که همه جریانات بانظرو تصمیم او گذشته است. با در نظر داشتن این پیشینه، نطق‌های آتشین رهبر و رئیس جمهور فعلی، دروغ بانی مضحکی بیشتر نیست. با این حال، در این موضع گیری‌ها یک واقعیت نیز نهفته است: رژیم لاقول در حال حاضر توان مذاکره هلنی با آمریکا را ندارد. میراث خمینی سنگین تر و حضور حزب الله افراطی در حکومت نیرومندتر از آن است که بخارد رفسنجانی هلنا روابط با آمریکا را برقرار کند. جناح محتشمی به خوبی می‌داند نعمت‌هایی که رابطه هلنی با آمریکا و بسط روابط با سایر کشورهای غربی به صورت اعتبارهای موثر در بازسازی پس از جنگ و نیرومندتر شدن موضع ایران در مذاکرات صلح و فیر به همراه می‌آورد، یک سره هاید رفسنجانی خواهد شد و سر خطامام در این میان بی‌کلاه خواهد ماند. موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی برای دولت رفسنجانی از طریق نزدیکی به قرب، بازار افراطی‌گری امثال محتشمی را کساد خواهد کرد. از این رو است که جناح محتشمی با تمام قوا در برابر هرگونه تلاش رفسنجانی برای حل بحران گروگانهای لبنان به مثابه پیش‌شرط بهبود روابط با قرب ایستاده است و بدین منظور، سلاح نیرومندی در اختیار دارد که میراث سیاسی و ایدئولوژیک خمینی است. اگر از اطرافیان رفسنجانی کسی مانند مهاجرانی به خود جرات دهد موضع مذاکره با آمریکا را مطرح نماید، محتشمی و یارانش همه حزب اللمی‌ها را علیه او بسیج می‌کنند.

در این شرایط، برای رفسنجانی و وزارت خارجه، چاره‌ای جز مذاکرات فیر هلنی و یا فیر مستقیم نمی‌ماند. و تازه در این صورت هم نمایندگان رژیم باید چهار چشمی مواظب باشند مثل ماجرای مک‌فارلین لو

نروند. دیپلماسی فعال مورد نظر خامنه‌ای، قبل از هر چیز یک دیپلماسی مخفی است. در این دیپلماسی اسلامی، متدها و مکانیزم‌هایی وجود دارد که در دیپلماسی متعارف، جایی برای آن نیست: گروگان گیری، باج دهی و باج خواهی، شیوه‌هایی از مذاکره که فایده آن قبل از همه به جیب و واسطه‌هایی مانند رژیم سوریه، دلالت رنگارنگ اسلحه و گانگسترهای بین‌المللی می‌رود، و هزار و یک عملیات محیر العقول مافیایی که به ندرت فاش می‌شود. در این دیپلماسی، امتیازها را آخوندها از جیب مردم ایران می‌دهند، اما فایده‌اش را می‌دهند و امثال او می‌برند. این دیپلماسی خائنانانه، بیش از ده سال است که بزرگترین ضربه‌ها را به منافع ملی ایران زده است. این هم یکی دیگر از شاهکارهای ولایت فقیه است. از یک سو، واقعیت‌های خردکننده جهان معاصر، آنچه‌ان است که جز مذاکره و رابطه با کشورهای نیرومند و قدرت‌های اقتصادی و سیاسی، چاره‌ای نمی‌ماند، و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی با دروغ بانی‌ها و رفتار دن کیشوت وار ده ساله‌اش، آنچه‌ان هاله ضاجنبی کاذبی برای خود درست کرده که در تنگناها، ناچار از توسل به بندوبست‌های پنهانی است. این گونه روابط و مذاکرات، از آنجا که دور از کنترل و نظارت افکار عمومی و خارج از چارچوب معیارهای حقوقی، دیپلماتیک و سیاسی بین‌المللی صورت می‌گیرند، دست طرف نیرومندتر را برای هرگونه اجحاف و زورگویی باز می‌گذارند. به نظر می‌رسد احتیاجی به ذکر این نکته نباشد که در مذاکره میان ایران و آمریکا، طرف نیرومندتر کدام است.

تصور اینکه زمانی رژیم جمهوری اسلامی به جای دیپلماسی مخفی، به روابطی که اکنون حرف معمول دنیا شده است تن دهد، لاقول در حال حاضر و با تناسب قوای فعلی در حکومت، دشوار است. تا آن زمان، دیپلماسی پنهانی ادامه خواهد داشت و باج‌دهی‌ها، رسوایی‌ها و خیانت‌ها همچنان آن را همراهی خواهند کرد.

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹ شماره ۱۲۷

سازشکارانه

«جریانهای مرعوب» و راه‌حلهای سازشکارانه

آزاد شدن اولین گروگان آمریکایی از سوی «سازمان جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین» سرفصل جدیدی در مباحثات سیاسی داخلی و خارجی کشور، صرف نظر از این مسئله که غرب برای اولین بار گروگانگیری دولتی را در لبنان باب کرد، اصولاً به مسئله گروگانگیری از دو زاویه کاملاً متفاوت می‌توان نگریست: اقدامی از روی استیصال از جانب ملت‌های تحت سلطه قدرتها و امری در خدمت اهداف دولتها. طبعاً شق دوم از آنجا که دولتها گانالهای گوناگونی برای طرح نظرها و پیامهای خود دارند کاملاً مطروود است. اما آیا به همین صراحت می‌توان در ارتباط با ملت‌های به تقان آمده از فشارهای قدرتهای مسلط بر جهان قضاوت کرد؟ اقدام سازمان جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین به دلیل احترامی که برای ایران به عنوان کانون توجهات ملت‌های منطقه قائل است، کاملاً قابل درک و واکنش دو جریان در برابر این حرکت قابل تأمل است. اما آیا واکنش واشنگتن چنانکه بعضی در داخل کشور انتظار آنرا ایجاد کرده بودند نشانی از کمترین حسن نیت متقابل دارد؟ دو حرکت اخیر آمریکا در تصویب قطعنامه‌ای در مورد بیت المقدس و اعطای مدال شجاعت به فرمانده ناو وینسنس که به خاطر قتل عام ۲۹۰ انسان مستحق محاکمه و اشد مجازات است چه چیزی را به اثبات می‌رساند که ساده‌اندیشان یا کسانی که خود را به تجاهل می‌زنند پیشنهاد مغتنم شمردن فرصت برای گفت و گوی مستقیم را می‌دهند؟

در حالیکه وزیر خارجه ایران آزادی متقابل گروگانهای ایرانی را

در اولین واکنش خود در قبال آزادی گروگان آمریکا مطرح می‌سازد چگونه است نشریه‌ای که عهده‌های آنرا وابسته به جناحی در وزارت خارجه معرفی می‌کنند مجدداً آزادی یک گروگان دیگر را درخواست می‌کنند؟ و یا زمانی که وزارت خارجه هر نوع تمایلی برای تجدید رابطه با دولت مصر را رد می‌کند با این استدلال که همه ملت‌ها در زمینه‌های فرهنگی به یکدیگر نزدیک می‌شوند و ادامه خصومتها برای هیچکس سودی در بر نخواهد داشت احتمال برقراری روابط سیاسی میان تهران و قاهره را مطرح می‌سازد.

همچنین طرح ادعای سفر معاون وزیر خارجه ایران به ساناگوا برای شرکت در مراسم انتقال قدرت از اورنگا به چامورا آیا به منظور القای ایجاد چرخشی در سیاست خارجی ایران دنبال می‌شود؟ از کسانی که با چنین مهارتی به کار مشغولند بعید است از هیولای پرورده تبلیغات و جار و جنجال غرب وحشت کرده و اکنون برای مصون ماندن از این تهدیدات به کاخ سفید نظر نمانند. بسکه زمینه‌ها را باید در جای دیگر جستجو کرد. اگر ایران قرار بود به راه حل‌هایی چون مذاکره مستقیم با آمریکا به قیمت گسار نهادن ارزشهای اعتقادی و تغییر مواضع سیاسی توسل جوید قطعاً باید در شرایط جنگی که غرب مسوحشترین تسلیحات را برای در هم شکستن مقاومت ایران در اختیار عراق قرار می‌داد، به این امر توجه می‌کرد. اما اکنون که تحولات چهسانی توچند شکسته شدن قریب‌الوقوع سلطه مطلق آمریکا را می‌دهند و آینده جهان به محور اقتصاد خواهد چرخید و کشورهاى مختلف به خاطر حضور فعال در این رقابت به برقراری روابط اقتصادی از یکدیگر پیشی خواهند گرفت، چه ضرورتی در مواجهه با آمریکا ما را به فراموشی اصول خود سوق می‌دهد؟

جریانهای مرعوب غرب تحلیل درستی از فرصتهای ایجاد شده ندارند. در مقاطع مختلف انقلاب زمینه‌ها برای بیرون‌فکنی ماهیتا فراهم می‌شوند. کما اینکه تاریخ کوتاه انقلاب بهترین سوید این مدعا است.



برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

طبق اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران پلنوم کمیته مرکزی این حزب در روزهای بیست و پنجم تا بیست و هفتم فروردین ماه برگزار شد. در این پلنوم تاکید شده است که خواستهای مردم کردستان و خلقهای ایران نظیر دموکراسی، کسب حقوق ملی و حرکت بسوی سوسیالیزم دمکراتیک بدون حذف رژیم آخوندی امکان

برآورده شدن ندارند. همچنین در این پلنوم اعلام گردید تا زمانیکه جریان "حزب دمکرات کردستان رهبری انقلابی" از نام دیگری استفاده نکرده است حزب وظیفه خود می‌داند از همه امکانات نظامی، سیاسی، تشکیلاتی و تبلیغاتی علیه آنان استفاده بعمل آورد. این موضع گیری غیرمؤکراتیک، نگرانی از ادامه

و گسترش درگیری‌های نظامی در کردستان را تشدید کرده است. مبنی اطلاعیه چنین است: دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با اطلاع می‌رساند که پلنوم کمیته مرکزی کار خود را در روز بیست و پنجم فروردین ماه آغاز کرد و روز بیست و هفتم آن را به پایان رساند.

مبارزه نیروهای اپوزیسیون ایرانی از جمله حزب دمکرات از جهات گوناگون بررسی گردید. پلنوم کمیته مرکزی یکبار دیگر بر این نظر تاکید ورزید که خواستهای مردم کردستان و خلقهای ایران نظیر دموکراسی، کسب حقوق ملی، و حرکت بسوی سوسیالیزم دمکراتیک بدون حذف رژیم آخوندی امکان برآورده شدن ندارند، و این نیز بانجام نخواهد رسید مگر در سایه مبارزه و تلاش قاطعانه و متحد خود مردم ایران و نیروهای اپوزیسیون علیه این رژیم واپسگرا و دیکتاتور.

اطلاع نمود که گروه منحرف از مشی حزب را خائن و مزدور دشمن جنبش کردستان میدانند. از همین رو حق استفاده از نام پرافتخار حزب دمکرات کردستان ایران را برای آنان نمی‌شناسد، و وظیفه حزب می‌داند که تا هنگامیکه دست از این نام برنداشته‌اند از همه امکانات نظامی و سیاسی و تشکیلاتی و تبلیغاتی در برابر آنان استفاده بعمل آورد.

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران

"مردم لازم است درخواست‌های منصفانه را در چارچوب قانون قرار دهند تا بهانه بدست بداندیشان داده نشود"

جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران به رهبری مهندس مهدی بازرگان پس از تظاهرات روز جمعه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۸ اطلاعیه‌ای صادر کرد. در این اطلاعیه از یکسو از مردم خواسته شده است بجای شعار "زنده باد یا مرده باد فلان شخص" شعار "زنده باد آزادی و دموکراسی" و "مرده باد استبداد و دیکتاتوری" را مطرح نمایند و فریاد اعتراض خود را علیه "انحصار طلبی" و "سلطه‌گری" و "استبداد" هر چه رساتر سازند و از سوی دیگر از مردم خواسته شده است اعتراضات خود را در چارچوب‌های قانونی محدود نمایند. در اطلاعیه آمده است:

داشته‌اند بتوانند به آرمان‌های اصلی خود بعد از انقلاب دست یابند، امروز آرمان‌هایشان را بر یادرفته می‌بینند و خود را در برابر نظام جدیدی می‌یابند که در آن کمترین اهتتایی به خواسته‌های ملت از طرف حاکمیت نمی‌شود... طبیعی است در شرایطی که زبان خیرخواهان بسته و قلم اصلاح‌طلبان شکسته و سانسور و اختناق خبری به شدت حاکم است، مردم ناراضی و بدبین حق دارند به سوی گروه‌های مخالف و حتی دشمن نظام در خارج از کشور - که امکان ارتباط با مردم برایشان فراهم است و از تسهیلات بین‌المللی برخوردارند - روی آورند و برای نجات خود از آنان یاری بجویند. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد در شرایطی که نارضایتی مردم گسترش یابد، توسل به خشونت، بازداشت، حتی اعدام نمی‌تواند جلو خشم و هشیان عمومی را بگیرد و به کار بردن نیروهای مسلح تاثیر چندانی در پیشگیری تحولات تاریخی ندارد. البته روش‌های سرکوبگرانه می‌تواند برای مدتی رستاخیز ملت را به تاخیر اندازد، اما سرانجام سرکوبگران در لهیب آتشی که افروخته‌اند زودتر از دیگران می‌سوزند و نابود می‌شوند.

است! بار نخست در انقلاب مشروطیت و بار دوم در انقلاب بهمن ۵۷ بود. امروز ملت ایران نباید اجازه دهد که با وعده و وعید او را افعال کنند. ما همه باید به هوش "بستید"، با "استبداد" مبارزه کنیم. شعارهای مردم به هوش زنده باد یا مرده باد فلان شخص، باید بر خواست‌های اصلی در زمینه آزادی و دموکراسی متمرکز باشد. به یقین باید مردم بدانند که اگر حکومتی با زور ساقط شود، جانشین آن حکومت هم برای ادامه فرمانروایی خود به زور متوسل خواهد شد! تحولات امروز دنیا نشان می‌دهد که دوران کیش شخصیت و بت پرستی و بت‌تراشی گذشته است. امروز مادر جهانی زندگی می‌کنیم که مجسمه‌های چهل متری بت‌ها باره‌های برقی قطع و برداشته می‌شود و از جلو چشم مردم به موزه‌های تاریخ منتقل می‌گردد. در جهان امروز آرمان‌ها و خواسته‌های ملی مطرح است و مردم خود ناجی هستند و برای نجات به این روی نمی‌آورند.

پلنوم در ابتدای کار به بررسی قرارهای پلنوم قبلی، و چگونگی اجرای آنها پرداخت. نتیجه این بررسی روشن ساخت که خوشبختانه در سایه احساس مسئولیت کم نظیر رفقای حزبی همه قرارها بطور کامل و در نهایت دقت بانجام رسیده‌اند. سپس پلنوم بحث مفصل و دقیقی را در مورد وضع عمومی جهان و بویژه تحولات اخیر کشورهای سوسیالیستی آغاز نمود. در جریان این بحث نتایج احتمالی تحولات نامبرده و تاثیر آنها بر اوضاع آینده جهان و ایران مورد ارزیابی قرار گرفت، و افق تلاش و

اتگاه برنامه کار و فعالیت حزب برای ماه‌های آتی که به دنبال چندین سمینار و نشست ویژه در ماه‌های گذشته آماده شده بود در پلنوم به بحث و گفتگو گذاشته شد، و بر سر نکات اساسی آن بخصوص در داخل کشور از نظر تشکیلاتی و نظامی توافق بعمل آمد.

پلنوم سرانجام اعضای کمیته آماده کردن کنگره نهم را که بنا بر اساسنامه حزب بایستی در سال جاری برگزار گردد انتخاب نمود. بدنبال آن کارهای پلنوم به پایان رسید و شرکت‌کنندگان در آن برای انجام وظایف انقلابیشان بسوی محلهای فعالیت و مبارزه خویش بازگشتند.

پیروزی مبارزه خلق ما برای رسیدن به دموکراسی و آزادی

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی

گذشته با هم نزدیک شده و همکاری سودمند و موثری با هم داشته باشند. پلنوم ضمن تاکید دوباره روی محتوای ماده پنجم اطلاعیه ده‌ماده‌ای مورخ ۱/۱/۶۷ حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی با تلاش در جهت خاتمه دادن به آشفتگی و چند دستگی بین نیروهای شرکت‌کننده در جنبش خلق کرد و با در نظر گرفتن این حقیقت که جنگ خودی و مقابله مسلحانه زیان‌بران ناپذیری بر جنبش انقلابی خلق ستمدیده کرد وارد کرده و این امر مستقیماً به سود دشمنان خلق کرد و همه خلق‌های

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۵ فروردین ۶۹، برگزاری پلنوم پنجم کمیته مرکزی این حزب را اعلام داشته است. این اطلاعیه به زبان کردی منتشر شده، که ترجمه بخشی از آن به قرار زیر است: پلنوم ضمن اصرار بر ادامه و تشدید مبارزه مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت کار تشکیلاتی جهت هر چه فعال‌تر کردن خلق و حزب آن‌ها به سوی جنبش، روی گسترش فعالیت سیاسی در خارج کشور تاکید کرد.

پلنوم همراه با تأیید مجدد سیاست اصولی حزب در دو سال گذشته روی اتحاد عمل همه نیروهای مترقی ایران در ارتباط با جنبش کردستان، از تمام نیروهای که به نحوی با جنبش ارتباط دارند، خواست تا بیشتر از "انحصار طلبی" و "سلطه‌گری" و "استبداد" بلند سازند. این خواسته‌ها همه قانونی است و با توجه به شرایط مساعد داخلی و جهانی لازم است درخواست‌های منصفانه را در چارچوب قانون قرار دهند تا بهانه بدست بداندیشان ددمنش و فتنه‌سازان تزویرکار برای سواستفاده از احساسات پاک مردم داده نشود. جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران امیدوار است که این هشدار پرده از چشم حاکمیت مشرور به‌کنار زند و صدای اعتراضات مردم به گوش ناشنایان فرورود تا اصلاح‌گرایان به سوی هدف‌های حق طلبانه پیش رویم و تا آفتاب عدالت از افق‌های تیره سرزند و شب تاریک استبداد را روشن سازد. جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران اسفندماه ۱۳۶۸

از فروردین ماه امسال انتشار نشریه آیندگان در خارج کشور آغاز شد. در اولین شماره این نشریه انتشار آن در پاسخگویی به ضرورت وجود یک نشریه جدی و آگاه و آزادمنش که بتواند ارتباط میان ایرانیان خارج از کشور را برقرار سازد و در خدمت بالابردن سطح فرهنگی، سیاسی، اجتماعی ایرانی قرار گیرد طرح گردیده است. نشریه آیندگان از سال ۱۳۴۶ به صورت یک روزنامه صبح به مدیریت داریوش مایون انتشار می‌یافت. سردبیر این روزنامه دکتر فلامحسین صالحیار بود و موشنگ وزیری، جهانگیر بهروز و... مسئولین اصلی این روزنامه بودند. در آن زمان نشریه آیندگان به عنوان روزنامه‌ای که رابطه نزدیک تری با رژیم دارد و مواضع آن را منعکس می‌کند شناخته شده بود. آقای دایوش مایون در اولین شماره این نشریه در خارج از کشور در تلاش برای رد این نظر می‌نویسد:

انتشار نشریه آیندگان

"آیندگان روزنامه‌ای شد که در دستگاه حکومتی تاثیر داشت، بیش از هر روزنامه دیگری، بیش از بسیاری از مسائلی که ما مطرح می‌کردیم و بحث‌هایی که آغاز می‌شد و اغلب در جریان سیاست گذاری تاثیر می‌نهاد. آن نقشه‌هایی که برای آزاد بودن و بصحت موشکافانه در مسائل مملکت داشتیم به موانع سانسور رایج آن روزها برخورد، بطوری که دیگران ما را متهم می‌کردند جواز مخصوص داریم، چراغ سبز برابمان روشن شده. حال آنکه مطلقاً چنین نبود... اصولاً روزنامه‌ها با شاه طرف بودند. وزارت اطلاعات و ساواک و نخست‌وزیر و وزیر اطلاعات مجری بودند. بیشتر مصیبت‌ها از شاه ناشی می‌شد. او خواننده فوق‌العاده هلاکت‌روزنامه‌ها بود و به نظر من بیش از حد هلاکت‌مند به سود روزنامه‌ها باشد." بقیه در صفحه ۶

پیرامون برخورد طرفداران سلطنت با سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو

دموکراسی این آقایان!

بقیه از صفحه اول

ایران (CIRA) در روزهای ۷ و ۸ آوریل ۹۰، پیرامون بررسی هنر و ادبیات و شعر فارسی، در دانشگاه برکلی کالیفرنیا آمریکا جلسات سخنرانی ترتیب داد. در این جلسات احمد شاملو، نادر نادرپور، حمید هنایت و همانا طوقی شرکت داشتند. روز هفتم آوریل احمد شاملو در سخنرانی خود که عنوان "مقایسه شعر نو و شعر کهن فارسی" را داشت، در باره "اساطیر و تاریخ باستان ایران و لزوم تجدیدنظر در آنها" نیز سخنانی ایراد کرد. هنوز متن کامل این سخنرانی در هیچ یک از نشریات درج نشده است. با وجود این علیه سخنرانی شاملو و حتی علیه شخصیت او مقالات متعددی با امضاهای مختلف در کیهان چاپ لندن به چاپ رسیده است. مبنای همه حرفها گزارشی است که در شماره ۲۹۸ هفته نامه مزبور (۱۹ آوریل) با امضای م. سرابی درج گردیده است.

نوشته حاضر به بررسی نحوه برخورد اشخاصی که با انگیزه دفاع از پادشاهی و پادشاهان (مقاله آقای علی کمالوند - سوم مه) یا دفاع از ناسیونالیسم و ملیت گرایی (مقاله آقای قلی حسین زاده - ۲۶ آوریل) و یا با انگیزه تخطئه کردن کانون نویسندگان ایران و یا دفاع از "شهبانو فرح" (یادداشت های هفته نویی بوستانی - ۲۶ آوریل) خواهد پرداخت.

پیش از پرداختن به این مقالات، با استفاده از گزارش مختصر آقای م. سرابی و مقاله آقای قلی حسین زاده که در دو شماره متوالی کیهان چاپ لندن درج گردیده اند، خلاصه تازه ای از سخنرانی هفتم آوریل احمد شاملو ارائه می دهیم:

خلاصه سخنرانی

شاملو در سخنرانی خود با این مقدمه که "شما حق ندارید به هیچ یک از احکام و آیه هایی که از گذشته به امروز رسیده و چشم بسته آنها را پذیرفته اید ایمان داشته باشید..." و "...ایمان بی مطالعه سدره تعالی بشری است..." در مبحثی که اشاره به شاهنامه فردوسی داشت چنین می گوید:

"برای مبارزه با جعل و تعصب، بایستی باورها و اعتقادات مردم را تغییر داد و یکی از آنها، باور فطری است که ما به شاهنامه پیدا کرده ایم. شاهنامه پراز جعل واقعیت ما است. چرا که مثلا ضحاک شخصی بوده است هاد و مساوات طلب و برعکس کاوه که او را به ماه به عنوان ناجی و فردی حق طلب و حقیقت جو و مبارز شناسانده اند، خائنی بیش نبوده که همچون شهبان بی مخ؟ آن عصر، تاج سرنگون شده ای را بر تارک پادشاهی از تخم و ترکه رژیم سابق نشانده است."

شاملو بر تاریخ مکتوبی که بر اساس آن شاعر نامی ایران شاهنامه را به نظم در آورده تردید خود را اعلام می کند و با استناد به اشعار فردوسی نتیجه می گیرد که: "جمشید جامعه را به طبقات تقسیم کرده بود. طبقه روحانی، طبقه نجبا، طبقه سپاهی، طبقه پیشه ور و کشاورز و غیره... اما ضحاک که روی کار می آید این طبقات را بهم می ریزد و کاوه آهنگر با قیام خود فریدون را به سلطنت می رساند و دوباره جامعه را طبقاتی اعلام می کند و با فرستادن جارجی هایی اعلام می دارد:

سپاهی نیاید که بایستد و هر که بیاید که بایستد
به یک روی جویند هر دو هنر
یکی کارورز و دیگر گرزدار
سز او هر دو پدید است کار
چون این کار آن جوید آن کار این
پراشوب گرد سراسر زمین"

شاملو "از فردوسی انتقاد می کند که چرا از اقدامات اجتماعی ضحاک سخن نمی گوید و او را پیشاپیش محکوم می کند و با رویاندن دو مار روی شانه هایش، که ناچار است برای آرام کردنشان مغز سر انسان بر آنها ضحاک کند - و نیز با تازی خواندن او حق ضحاک بی نوار کف دستش می گذارد."

او "اسطوره ضحاک را بدین صورتی که به ما رسیده پرداخته ذهن مردمی می داند که از منافع نظام طبقاتی بر خوردار بوده اند و چون در این میان پردازندگان اسطوره را آدم هایی هادی می داند، پس ضبط کنندگان اسطوره را (خواه فردوسی و خواه مصنف خدای نامک که ماخذ شاهنامه بوده) آدم هایی "کلک زن" خطاب می کند."

شاملو منشا اسطوره ضحاک را در ماجرای به تخت نشستن داریوش جستجو می کند و منشا تحریف اسطوره ضحاک را با تحریف تاریخی ماجرای بردیا

مقایسه می کند و می گوید:

"کمبوجیه بر اداری داشت به نام بردیا. بر دیالطیعا از حالات جنون آمیز اخوی خبر داشت و می دانست که لابد امروز و فردا است که جنون حضرتش به تماشا بکشد و تاج و تخت از دستش برود. از طرفی هم چون انکاری در سر داشت و چندبار نهضت هایی به راه انداخته بود، اشراف به خوش تشنه بودند و می دانست که به فرض کنار گذاشته شدن کمبوجیه به هیچ بهایی نخواهند گذاشت او به جایش بنشینند. این بود که پیش دستی کرد و در قیاب کمبوجیه و ارتش به تخت نشست. وقتی خبر قیام بردیا به مصر رسید، داریوش و دیگر سران ارتش سر کمبوجیه را زیر آب کردند و به ایران تاخند تابه تابه قوه قهریه دست بردیا را کوتاه کنند."

شاملو روایتی را که بر اساس آن کمبوجیه در سفرش به مصر دستور قتل برادرش بردیا را می دهد تا مبادا در قیاب او هوای سلطنت کند، "تاریخ قلابی و دست کاری شده" خواند.

بر اساس این روایت، "پس از آنکه ماموریت قتل بردیا انجام شد، مفی به نام گئومات که شباهت عجیبی به بردیا داشت، بر تخت می نشیند و می گوید من بردیا هستم. کمبوجیه در مصر، پس از شنیدن این خبر از شدت خشم جنون آمیز، به روایتی خودکشی می کند و به روایتی دیگر بی درنگ به پشت اسب می جهد تا بر برادرش دو برابر این حرکت ناگهانی، خنجر می که به کمر داشت به شکمش فرو می رود و از زخم آن می میرد. آنگاه سران ارتش به قصر بردیا در ورفین حمله می کنند. او را می کشند و قرار می گذارند صبح روز بعد در جایی جمع شوند و هر که اسبش زودتر شیهه کشید پادشاه شود. اسب داریوش زودتر از بقیه شیهه می کشد و داریوش به تخت می نشیند."

احمد شاملو با اشاره به حجاری های تخت جمشید که نشان می دهد حتی سربازان هادی هم خنجر بدون نیام به کمر نمی بستند چه سده پادشاه، روایت اخیر را کاملاً معقول اعلام می کند.

بر اساس چنین برداشتی از تاریخ، و با استناد به کتیبه های بی ستون و تحقیقات دیاکونف، شاملو می گوید:

"داریوش پادشاهی بود خودکامه و تصی القلب که برای سرکوب مخالفتش روش هایی خونین پیش گرفت. به دست خود گوسها و بینی "فرورتیش" را که بر علیه داریوش شوریده بود برید و چشم هایش را از کاسه در آورد."

او در این سخنرانی "بردیا را مردی اصلاح طلب می داند که می خواست دست به یک سلسله اصلاحات بزند."

محورهای سخنرانی

بر اساس آنچه در گزارش سخنرانی احمد شاملو در کالیفرنیا آمریکا آمده است چکیده این سخنرانی را می توان در دو محور خلاصه کرد:

۱- بازنگری در اساطیر شاهنامه
۲- بازنگری در تاریخ پادشاهی ایران از موضع مخالفت با سلطنت

هیچ یک از این دو محور در تفکر، در آثار و در گفتارهای احمد شاملو تازگی ندارند:

اولاً در زمینه بازنگری در اساطیر شاهنامه شاملو عقاید غیر متعارفش را از ۱۵ سال پیش ابراز داشته و نیز در کتاب جمعه - ۶ دی ماه ۱۳۵۸، اشاره های به آن کرده است.

او در سال ۵۶، طی سخنرانی مبسوطی در دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، نظریاتش را در زمینه بازنگری در اساطیر شاهنامه و به طور مشخص در مورد ضحاک اعلام کرده بود.

ثانیاً، در رابطه با موضع ضد سلطنت شاملو، باید گفت که بر هر آنکه آثار شاملو را مطالعه کرده و یا حتی با اشعار او مختصر آشنایی داشته باشد، واضح است که مخالفت با سلطنت و پادشاهی، مستقیم و غیر مستقیم، در اکثر آثار او موج می زند:

"و آن کس که برای یک قیابرتن و سه قیابرتن صدوق و آن کس که برای یک لقمه در دهان و سه نان در کف

و آن کس که برای یک خانه در شهر و سه خانه در ده باقیان و خانه یک تاریخ چنان کند که تو کردی، رضاخان

نامش نیست انسان

مهر داد کیمیائی

نه، نامش انسان نیست، انسان نیست
من نمی دانم چیست
به جز یک سلطان!

احمد شاملو در همین شعر، که بخشی از آن در بالا آورده شد، (تصیحه برای انسان ماه بهمن - بهمن ۱۳۲۹) در تصویری که از مبارزین ارائه می دهد، تاریخ پادشاهی را نیز از داریوش تا نوشیروان به نقد می کشد:

"چه بسیار
که کشتند بر دگی زندگی شان را
تا آتایی تاریخشان زاده شود
با ساز یک مرگ، با گیتار یک لورکا
شعر زندگی شان را سرونند

.....

و تاریخی سر و دند در حماسه سرخ شعر شان
که در آن
پادشاهان خلق

باشیبه حماقت یک اسب
به سلطنت نرسیدند
و آنها که انسان ما را با بند ترازی هدالتشان بدار

عادل نام نگر فتند"

شاملو در شعری به نام ۲۳ که در شبانگاه کشتاری سروده شده بود که ارتش محمدرضا شاه در ۲۳ تیر ۱۳۳۰ در تهران براه انداخت، خطاب به فرماندهان کشتار و خطاب به حامیان تاج و تخت شاه چنین می گوید:

"دهایی که شماز مزه می کنید
تاریخ زندگانی ست که مرده اند
و هنگامی نیز

که زنده بوده اند
خروس هیچ زندگی
در قلب دهکده شان آواز
نداده بود"

انگیزه ها

همانگونه که گفته شد، آنچه شاملو در سخنرانی خود اعلام کرده، مسائل تازه ای نبود. پس چه انگیزه های باعث اینگونه برآشفتنگی و برخوردی بدینگونه توهم آمیز با شاملو شده است.

گزارش مندرج در شماره ۲۹۸ کیهان چاپ لندن تفاوت برخورد با سخنرانی شاملو را در سال ۵۶ و امسال چنین ارزیابی می کند:

"...در آن زمان چون تب تند و داغ ضد سلطنتی در بین دانشجویان سخت رواج داشت و مردم بعد از جشن های دوهزار و پانصد ساله به موضوع سلطنت کورش و داریوش و... حساس شده بودند، چنین نظریه هایی پیرامون تاریخ و اساطیر ایران در بین دانشجویان ضد سلطنت فوری مورد قبول می افتاد... از نظر روانشناسی جامعه، در آن روزگار، مردم هویت ملی خود را در خطر نمی دیدند ولی حالا که هویت ملی ایران با شاهنامه و فردوسی گره خورده است، مردم - بویژه در لس آنجلس - سخت به تکاپو افتاده اند و حتی کار به شاخ و شانه کشیدن هم کشیده است!"

به تعبیری دیگر آن روز (سال ۵۶) نیروهای طرفدار سلطنت در آمریکا متمرکز نبودند بلکه در ایران بودند. در ایران هم آن زمان اوضاع به گونه ای بود که بهتر می دیدند به مسایل بزرگ تری که آن زمان دست به گریبانش بودند بپردازند و هجالت از تنبیه آقای شاملو به خاطر توهمین به "هویت ملی" صرف نظر کنند. اما امروز (بویژه در لس آنجلس) نیروی قابل محاسبه اند و می توانند و باید که خودی نشان دهند. پس امروز اگر نمی توانند مثل آن زمان که در قدرت بودند حساب هتر مندانی را که در آثارشان عقاید مخالف سلطنت ابراز می کنند کف دستشان بگذارند، امروز اگر شرایط برایشان آنگونه مهیا نیست که شاملو را بگیرند و به بند کشند، موقتا برایش "شاخ و شانه" می کشند و به تخطئه و ترور شخصیت هنری او می پردازند.

به جای منطقی

بر اساس گزارش مزبور، پرویز قاضی سعید در مقاله ای در روزنامه صبح ایران - لس آنجلس در باره شاملو چنین می نویسد:

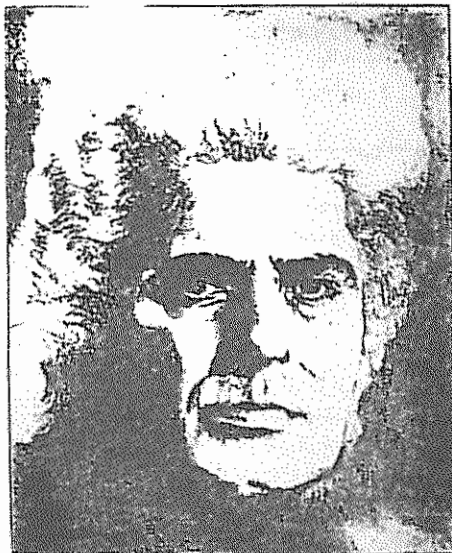
"یک مهر بی زحمت و تلاش برای امرار معاش، با باده و بنگ به سر آوردن، هلی آقادر بان اطلاعات رامهر شاهر می کند."

پس از "شاخ و شانه کشیدن" برای شاملو به جای استدلال در برابر نظرات مستدل او، شیوه های ناسالم بر خورد، به شکل های گوناگون ادامه می یابد.

آقای نوید بوستانی طنزنویس "یادداشت های هفته" کیهان چاپ لندن، در شماره ۲۹۹ این هفته نامه پس از اشاره به "هامیانه" صحبت کردن شاملو، می گوید تا موضع فکری او را هم طراز با پاسداران جمهوری اسلامی جلوه دهد و به طور تلویحی این شبهه را ایجاد کند که شاملو با رژیم همکاری هایی دارد:

"اولا که آقایان رضایی و رفیق دوست و شمخانی مدت جاست دیگر نه پایشان را به چاله میدان گذاشته اند، نه سسگ گرفته اند، نه چاقو کشیده اند و نه

برای حفظ رنگ مر دمی و هامیانه مملکت، به لجه چار و اداری صحبت کرده اند. آنها دیگر آدم شده اند و حرف های قلبیه سلمبه می زنند و پاسداری از فرهنگ دروازه دولاب و سر قبر آقا بر همه امثال برادر احمد شاملو قرار گرفته است."



طنزنویس کیهان لندن برای اینکه هم هرض ارادتی به خاندان سلطنت کرده باشد و هم حساب شاملو را کف دستش بگذارد اینگونه به طنز ادامه می دهد:

"ثانیاً هر پرت و پلا... که ایشان در دانشگاه برکلی گفته اند تصویر رژیم سابق است. این آقای شاملوی بیچاره یک هجری گوشه خانه اش نشسته بود و هرق و ماست و خیارش را می خورد (خدا شاهد است یکی از رفقای خودش می گفت اگر هرق کشمش گیرش نیاید، الکل صنعتی هم می خورد و خم به ابرو نمی آورد) و خیلی هم اشعار آبدار می گفت. بعد یک روز که سرش خیلی درد گرفته بود و می خواست کتاب هایش را بفروشد تا خرج ویزیت دکترش تامین شود، شهبانو فرح دستور دادند او را بردند دکتر و وقتی معلوم شد تو کی که اش یک "تومور" به اندازه پرتقال در آمده فوراً فرستادندش آمریکا که برود به خرج ایشان کله اش را همل جراحی کند... حالا جراح... چه بلایی به سرش آورد که شاهر بزرگ یکدفعه کمونیست و طرفدار ضحاک شد و شروع کرد به فحش خوار و مادر دادن به هر چه کورش و داریوش و فردوسی و کاوه آهنگر و فریدون و وارثان آنها معلوم نیست"

نمونه های دیگر

آقای هلی کمالوند در مقاله ای تحت عنوان "کلک زن" کیست؟ شاملو را به "تخطئه تاریخ ملت ایران" متهم می کند:

"مسئله پادشاهی و پادشاهان گذشته را که با تاریخ دوهزار و پانصد ساله ایران آمیخته شده است تخطئه کردن، در واقع یک جور تخطئه تاریخ ملت ایران است"

مقاله یاد شده در حالی که از نظر شاملو در باره ضحاک و فریدون و جمشید در شاهنامه فردوسی سخت برآشفته است، او را "سنگ بدگوهر" خطاب می کند که "کاسه زرین می شکند"

مخالفت از این دست با احمد شاملو، فقط به بعد از سخنرانی او محدود نمی شود. بی استرامی به او در هنگام شعر خوانی اش نیز جریان داشته است:

"در شب شعر شاملو نیز فقط گاهی افرادی با یک شعار کوتاه یا مملک آهسته، چیزی می گفتند. مثلاً زمانی که شاهر در شعر "نامه" هبارتی را می خواند که "هرگز سایه دستم برای تو به بر کافذ نخواهد افتاد" از ته سالن یک نفر گفت "پس چطور بیرون آمدی؟" و یا وقتی در مورد همل مغزش شعرش را قرائت می کرد کسی فریاد زد: "جلوی چشمت را بگیره" و اشاره به این امر که گویا مخارج جراحی شده مغزی شاملو را که در آمریکا همل کرده بود، فرح پهلوی پرداخته است. یک نفر در میان سروصدای بقیه در صنف ۷

گزارشی از تولیدی های بافنده سوزنی

ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی آنگاه مهنی و مفهومی مشخص می یابد که روند متوقف شدن تولید در بخش های مختلف تولیدی در ایران مورد بررسی قرار گیرد. این روند تنها به مراکز بزرگ تولیدی و کارخانه های بزرگ منحصر نیست، بلکه گریبانگیر واحدهای تولیدی متوسط و کوچک نیز شده است. مشخص ترین پی آمد چنین روندی افزایش نرخ بیکاری آشکار و پنهان در کشور است. آنچه در زیر می خوانید گزارشی است که یکی از رفقای ما از ایران فرستاده است. در این گزارش روند ورشکستگی و تعطیل در کارگاه های "صنف بافنده سوزنی" مورد بررسی قرار گرفته است.

پیش از آغاز گزارش بهتر است توضیحی در باره صنف بافنده سوزنی داده شود: این صنف مجموعه ای به هم پیوسته از ده ها هزار واحد تولیدی را تشکیل می دهد که به لحاظ دستگامهایی که در آن ها به کار گرفته می شوند به سه دسته قابل تقسیمند.

۱ - گردباف: دستگامهای پیشرفته ای که گران ترین محصولات بافندگی نظیر پارچه های نازک زیر پیرامنی، پارچه های پلاستیکی و مواد دار (توریرا)، پارچه های گرمکن و انواع پولیستر پنبه ها را تولید می کنند.

۲ - ماشین های صنعتی که هم تریکو می بافند و هم کتفانی می کنند.

۳ - ماشین های دستی قدیمی تر که برقی شده اند. قدرت تولید این دستگامها کم است، و امکان تولید مدل های مختلف با نقشه های گوناگون را ندارند. از این دستگامها معمولاً برای تولید "خرج" یا یقه های مختلف لباس استفاده می شود.

از سال ۵۷ تا ۶۴ اوج رونق بازار صنف بافنده سوزنی بود. تمامی رشته های این صنف بطور مرتب و در اکثر موارد ۴۳ ساخته کار می کردند و با این همه تولیدشان برای بازار کفاف نمی داد. در اغلب موارد، هنوز پارچه برش نخورده بود و حتی خریداری نشده بود که بنگدار و واسطه پول کار تولید شده را به تولید کننده می داد و یا اصلاً کار را پیش خرید می کرد. بدین ترتیب سود بسیار سرشاری نصیب تولید کننده می شد.

به دلیل رونق بازار کار این صنف، در این سالها عده ای نیز که در این کار سابقه و مهارتی هم نداشتند جذب این کار شدند. به سبب بالا رفتن شدید قیمت مغازه و اجاره آن این عده تازه دارد همواره در افسوس، خانی آباد، ولی عصر، جاده ساوه و... مستقر شدند. این افراد و صاحبان مغازه های جدید، پارچه را از بازار آزاد می خریدند، کار را تولید و به بازار سرزایی می کردند. همه تولیداتشان هم فروش می رفت. برخی از آن ها توانستند "دفترچه موقت" از اتحادیه دریافت کنند که مقداری سمیه نخ، پارچه، تعدادی تیچی برقی، چرخ ریزک دوزی و ... هم دریافت کردند.

از سال ۶۴ که پروسه رکود بازار این صنف هم شروع شد، بطور طبیعی در درجه نخست، همین تولیدکنندگان جدید یا "ماشین نشین" دچار بحران شدند. با گران شدن پارچه و کاهش قدرت خرید مردم و افت شدید بازار، آنها یکی پس از دیگری کنار زده شدند. اما تولید کنندگان اصلی به علت شناخته شده بودن، حضور در مراکز تولیدی با سابقه، آشنایی با بنگدارها و همواره عضویت در اتحادیه، در این سال توانستند مجموعاً به کار ادامه دهند. حتی از کنار رفتن ماشین نشین ها خوشحال هم بودند.

تولیدکنندگان صنف بافنده سوزنی در سال ۶۴ بدون توجه به رکود بازار و با این تصور که بحران تنها گریبان "ماشین نشین" ها را گرفته، با همان شدت سال ۶۳ و ۶۴ به تولید ادامه دادند. اجناس تولیدی فروش نکرد و روی دستشان ماند. بحران تولید را اینها نیز درک کردند. کارگاهها از تولید کاستند، تعداد زیادی از کارگران، بدین ترتیب از کار اخراج شدند. در سال ۶۵ روند رکود این صنف شدت گرفت. در چنین شرایطی معمولاً تولید کنندگان بزرگ به خاطر ارتباطات گسترده و همچنین به خاطر آنکه همواره در اتحادیه نفوذ دارند مجموعاً تولید را ادامه می دهند اما تولیدکنندگان کوچک ترجیح می دهند "پارچه ها را تیچی نکنند" تا دوباره از وضع بازار مطمئن شوند. اینها به کار "مزدی" روی می آورند. کار را از تولیدکننده بزرگ می گیرند و در ازای مزد برایش تولید می کنند. هرگاه کار "مزدی" در بازار خواستار داشته باشد، می توان نتیجه گرفت که او طاق آینده نامطمئن است و تولیدکننده کوچک ترجیح می دهد سرمایه اش را به خطر نیندازد.

از سال ۶۶ به بعد، به جرئت می توان گفت که تقریباً همه "ماشین نشین ها" ی تولیدی برچیده شدند و کارگرانشان هر کدام دنبال کار دیگری رفتند. تولید کنندگان کوچک (با یک تا ۴ کارگر) هم تعطیل کردند. این گروه به سبب آنکه در سال های ۵۸ تا ۶۴ درآمد خوبی داشتند توانستند علیرغم تعطیلی

کار تولیدی ورشکست نشوند و به گونه ای دیگر کسب درآمد کنند. معمولاً اگر سرمایه در گردش زیاد باشد با افت شدید بازار و ارزانی محصول تولید شده، صاحب کار ورشکست می شود. اما تولیدکنندگان کوچک سرمایه در گردش قابل ملاحظه ای نداشتند.

اینگونه تولیدی ها معمولاً حداکثر معادل ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان پارچه دارند. چرخ و لوازم مال خودشان است، حتی اگر تمام پارچه را هم نسبه خریده باشند و تولید هم به صرفشان نباشد آن را به حداقل ۵۰۰ هزار تومان می فروشند، چرا که از سال ۵۸ تاکنون هیچ کالایی نه تنها دچار افت قیمت نشده، بلکه افزایش سرسام آوری داشته است. در نتیجه به جز موارد استثنایی در این بخش از صنف شاهد ورشکستگی نبوده ایم. نکته مهم این است که تولید هملا را که می شود اما تولیدکننده تنها به خاطر آنکه دیگر تولیدکننده نیست، دچار ورشکستگی نمی شود. این تولیدکنندگان از تولید دست می کشند اما تنها در صورت احتیاج مالی شدید دستگامهایشان را می فروشند. اما بهر حال بیکار می شوند و در انتظار رونق بازار می نشینند. عده ای هم در صنف خود دلالتی را آغاز می کنند.

شک نیست که حساب حاشیه نشین ها جدا است، آنها معلوم نیست به چه کاری روی آورند. عده ای در همین صنف به کارگری ادامه می دهند. (اگر سعادت پیدا کردن کار را داشته باشند)، عده ای به مسافرتی می پردازند، عده ای به دلالتی های گوناگون و نظایر اینها روی می آورند.

با رکود بازار صنف سوزنی، خیل عظیمی از کارگران این صنف اخراج شدند. کارگاههای بزرگ و متوسط خیلی سریع کارگران را اخراج کردند. در تهران، بسیاری از این کارگران بیکار شده را می بینی که جلو سینما اروپا، در جمهوری، جلو پاساژ شانزلیزه (سره راه جمهوری)، جلو سینما متروپل در لاله زار و... ایستاده اند و در جستجوی کارند. اینها اغلب کارگران دوزنده، بافنده، گلدوز، زیگزاگ دوز و... هستند که بیکار شده اند. کارگران قدیمی و استادکار هم تنها در صورتی در کارگاهها باقی می ماندند و بیکار نمی شوند که به پایین آمدن سطح حقوقشان رضایت بدهند. تعداد این دست کارگران هم کم است.

در حالی که برخی از کارگاههای "با فنده سوزنی" نظیر کارگاه ثابت (با ۱۵۰۰ متر مربع وسعت کارگاه و چندین دستگاه بافندگی گران قیمت)، کارگاه محمودی با نزدیک به ۱۰ میلیون تومان چنین انبار شده و با دستگاه های تولیدی گرانها) به مرز ورشکستگی کامل کشانده شده اند، تکلیف کارگاه های کوچک و تولیدکنندگان "حاشیه نشین" و کارگران آنها کاملاً روشن است.



ترافیک سنگین تهران و حق تقدم همیشگی هابران پیاده

اظهار نظر صد ...

بته از صنف ۷

سیاسی موجود در شوروی تردید است که آن کشور بتواند کمک های اساسی به ایران بنماید. علاوه بر آن به نظر نمی رسد مسکو در وضعی باشد که بتواند احتیاجات ایران را برآورده سازد. سفر رفسنجانی در ۱۹۸۹ به شوروی نه باعث تحویل اسلحه مورد نیاز ایران گردید و نه سبب فشار مسکو به عراق در جهت تن دادن به مذاکرات صلح با ایران شد. در حالی که ظرفیت و قدرت نظامی عراق به حدی افزایش یافته که برای ایران به منزله زنگ خطر به شمار می رود، ایران به هیچ وجه قادر نیست در این زمینه با عراق رقابت نماید.

موازنه قوای نظامی بین ایران و عراق و نیز توازن قوا در خلیج فارس کاملاً به سود عراق به هم خورده است. باین وضع: اولاً نیروهای نظامی دو کشور در یک مدار که موقتی نابایدار در برابر هم قرار گرفته اند. دوم - عراق که یک قدرت مهم

شیمیایی به شمار می رود، به سرمت بی سابقه در جهت اتمی شدن گام بر میدارد.

سوم - موفقیت عراق از لحاظ تولید و توسعه موشک برای پرتاب قمر مصنوعی به فضا نشانگر این است که این کشور مصمم است در جهت افزایش قدرت موشکی با استیک میان برد بیش از پیش بکوشد. ایران که خود در این مرحله سقوط اقتصادی قرار گرفته، هنوز قادر نیست راه حل قابل قبولی برای پایان دادن به اختلافات با عراق بیابد.

ایرانی ها دیر یا زود رژیم رفسنجانی را برکنار خواهند کرد. امید است مبارزه نخست از طریق انتخابات عمومی و واقعی صورت گیرد. تا امروز یک چهره جذاب در آسمان سیاست ایران پدیدار نشده است که مبارزات ملت ایران را در جهت نیل به دموکراسی هدایت کند و روابط ایران را با ابر قدرت ها تنظیم و به حال موازنه در آورد ولی چنین رهبری بدون تردید ظاهر خواهد شد.

انتشار نشریه ...

بته از صنف ۴

در جریان انقلاب کارکنان این روزنامه خود مستقیماً اداره آن را در دست گرفته و با تشکیل شورای تحریریه و عزل سردبیران قبلی آن، خودآیندگان را منتشر کردند. در این دوران آقای فیروز گوران به همراه آقایان محرابی، جلالی و... این شورا را تشکیل می دادند.

بخاطر اینکه اکثریت کارکنان و اعضاء تحریریه این نشریه از نیروهای چپ و دمکرات تشکیل می شد، در او ان انقلاب، آیندگان ۱۸۰ درجه تغییر کرد و به عنوان سخنگوی نیروهای چپ و دمکرات ایران شناخته شد و بالاخص در ماه های پس از انقلاب مواضع این روزنامه در انتقاد از مسئولین جمهوری اسلامی و انتشار مواضع جریان های دمکرات کشور حساسیت رژیم را برانگیخت. در این دوران آیندگان به پر تیراژترین روزنامه کشور تبدیل شد. تا جائیکه رژیم نتوانست آن را تحمل کند و با موضعگیری مستقیم خمینی دفتر آن اشغال گردید.

ولی همگی در رفتند. مردم می گفتند که این پاسدار خبر نداشت که باید از اینجا حمایت کند یا کاری به کارشان نداشته باشد.

خبری از هامبورگ آلمان فدرال

به تاریخ ۲۴ آوریل آقای هوشنگ گلشیری در سالی در این شهر یکی از قصه های خود را از کتاب پنج گنج باز خوانی کرد و بعد به پرسش حضار پاسخ داد. سئوالات متفاوتی در مورد هنر نویسندگی و وظیفه نویسنده طرح شد و گلشیری پاسخ داد.

به تاریخ ۲۵ آوریل آقای محمود دولت آبادی نیز قسمتی از یک قصه را از مجموعه روزگار سپری شده مردم سالخورده باز خوانی کرد و بعد به پرسش حضار پاسخ گفت. نکته آموزنده و در همین حال زشت در هنگام پرسش و پاسخ آن بود که گروهی که در هامبورگ هستند و هنری جز به افتشاش کشیدن تمام مجامع ندارند و سال پیش هم در کنسرتی که شجریان داشت مسخره بازی در آورده بودند، سئوالات بی ربطی را مطرح می کردند. حتی دولت آبادی را نیز مزبور رژیم خواندند.

جالب است بدانید که این گروه به منزانشینان معروف هستند و ادعای پیامبری هم دارند. بویژه مضمک آن است که یکی از این آقایان که سعی زیادی دارد او را با مارکس اشتباه بگیرند و ریش خود را هم به شکل مارکس در آورده است، فحش دهنده اصلی است.

اما در مجموع ایرانیانی که در این قصه خوانی شرکت کرده بودند، از این جلسات کمال استفاده را کردند.

دفتر ایشان، به مانند یک وزیر قدرت نهایی می کرد. در باب اتاق این آقا قطعه روی اعضای انجمن اسلامی باز بود و بس.

در بومن ماه ۶۸ از طرف آقای بانکی، آقای احمدزاده به ریاست این سازمان منصوب می شود و آقای الهاسی که مدت ۸ سال به طور ماموریت در این سازمان بود به اداره قبلی خود (گویا ذوب آهن) برگردانده می شود.

بعد از روی کار آمدن احمدزاده، پرسنل "سازمان" گویا روحی تازه در کالبدشان دمیده شده بود به گفته ناقل این خبر، گویی نوروز بود و بشاشت در چهره اکثر کارکنان مویدا بود. فقط ۲۵-۲۰ نفری که انجمن اسلامی بودند پیکر بودند.

با آمدن رئیس جدید انجمن اسلامی تلاش می کنند تا موقعیت گذشته را در یابند. از جمله روزی یک هزینه بالابند تهیه می کنند و در یک سمپوزیوم به وزیر معادن و فلزات تحویل می دهد. وزیر نامه را به بانکی، او هم نامه را به احمدزاده می دهد. این نوع کار یعنی حمایت هلنی از احمدزاده و ارجاع شکایت نامه، به خود احمدزاده، بیشتر انجمن اسلامی را زیر فشار قرار می دهد.

آنچه که در "سازمان زمین شناسی" بوجود آمده، فعالیت بیشتر پرسنل در جهت کارائی هر چه بیشتر آن است.

از جریان اعتراضات مردم تهران در رابطه با مسابقات ورزشی به بعد گروهی تمه کش و چاقو کش که این گروه متفاوت با چاقو دارها هستند به مغازه ها حمله می کنند. بویژه مغازه هایی که لوکس فروش هستند. آنها با شعارهای مرگ بر لیبرال و غیره این کار زشت را انجام می دهند و کسی هم بطور رسمی جلوگیری آنها نشده است.

اینان هنگامیکه به مغازه لوکس فروشی در میدان انقلاب و جنب سینما کاپری حمله کردند و با ساطور و تمه شیشه ها را شکستند، یاسداری با آنها درگیر شد

اظهار نظر صد نفر از ژنرال های آمریکا

در رابطه با اوضاع ایران

مشکلات ایران قادر به مقابله نمی باشد و راه حلی برای آنها ندارد. این تحولات اسباب نگرانی شدید استراتژیست ها و طراحان نظامی آمریکا را فراهم کرده است. امید آنان و انتظارشان این بود که ایران بعد از خمینی، ثبات پیدا کند و جانشینان آیت الله در صد تغییر رویه و تجدید روابط با آمریکا و ملل غربی که قادر خواهند بود به ایران کمک های فنی و اقتصادی برای بازسازی بنمایند، برآیند و کشور ثبات یابد.

به علاوه نظر این طراحان چنین بود که ایران روابط خود را با کشورهای غربی در خاورمیانه ترمیم سازد و تصد خود را مبنی بر برقراری توازن قوا در منطقه ابراز دارد.

اخیرا یک صد ژنرال آمریکایی عضو شورای امنیت بین المللی این کشور با صدور اعلامیه ای نظرات خود را نسبت به اوضاع ایران و اهمیت آن اعلام کردند. در میان این ژنرال ها اسامی افرادی مانند الکساندر هیگ، ژنرال کلی بشم می خورد. برای اطلاع خوانندگان از مواضع نظامیان آمریکایی بخش هایی از این اعلامیه که در کیهان چاپ لندن انتشار یافته درج می گردد:

اهمیت استراتژیکی ایران را در این قرن، جغرافی و افزایش نیاز دنیای صنعتی به نفت و دسترسی مطمئن به منابع نفت خلیج فارس تایید و تصریح کرده است.

ادراک ژئوپولیتیکی قدرت های بزرگ این است که هیچ قدرت واحدی نباید بر قسمت اعظم مناطق اوراسیای EURASIAN LANDMASS از لحاظ دریایی مضمون از تعرض و از لحاظ اقتصادی خودکفا است. تسلط پیدا کند کنترل این قسمت از کره زمین که جنبه مرکزیت و محوری دارد، سبب بر هم زدن توازن قوای جهانی خواهد شد.

از لحاظ حفظ توازن قوای جهانی ایران واجد اهمیت زیادی است. ایران ضمن داشتن ذخایر نفت همواره یا به صورت سد یا دالان بین آسیا - اروپا و آب های گرم و راه اقیانوس آرام قرار گرفته است.

رژیم خمینی اکنون جزء تاریخ است ولی تعدیلات اساسی علیه ایالات متحده و امنیت غرب پایان پذیرفته است. مناقشات نژادی و فرهنگی مرزهای شوروی را در بر گرفته که شامل ناحیه آذربایجان ایران نیز می گردد. انزوای سیاسی ایران از غرب، کوتاهی و قفل تهران از اینکه تاکنون نتوانسته است یک برنامه صحیح و مطمئن برای بازسازی اقتصاد جنگ زده ایران تنظیم کند و به ایران آزادی و ثبات بخشد از جمله مسائل ایران است.

هراق رقیب اصلی ایران، اقدامات وسیع و موفقیت آمیزی برای تقویت قدرت نظامی خود به عمل آورده است. رژیم بعد از خمینی در یک وضع نه صلح و نه جنگ قرار گرفته و با هیچ یک از

نظر عمومی در اتحاد شوروی درباره حزب کمونیست این کشور

در فوریه ۱۹۹۰ مرکز پژوهش ها و تحقیقات شوروی برای روشن شدن نظر مردم در مورد نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی و موقعیت درونی آن اقدام به یک نظر خواهی کرد. در این نظر خواهی ۲۵۰۰ نفر از تمام مناطق کشور بعنوان نمونه مورد سوال قرار گرفتند

نقوذ و اعتبار حزب:

۸۰/۷ درصد از کسانی که مورد سوال قرار گرفتند، به پایین آمدن اعتبار و نفوذ حزب اشاره کردند. بی اعتمادی به حزب افزایش می یابد. در حالی که تعداد افرادی که از هر جهت به حزب اعتماد دارند، در طول سال تقریباً بدون تغییر باقی مانده است (۲۷ - ۲۱ درصد) رقم آثانی که اعتماد کامل به حزب را رد می کنند از ۲۳ درصد در ماه می سال ۱۹۸۹ به ۳۵ درصد رسیده است و این رقم منطقی افزایش می یابد.

وضع درونی حزب:

اظهار نظر درباره وضع درونی حزب همیقا انتقادی تر شده است. ۴۰ درصد بر این عقیده اند که در حزب یک انشعاب رشد می کند. اما ۳۴ درصد حامی این نظرند که حزب در موقعیت فروپاشی است.

نقش حزب بر رویدادهای جامعه:

تقریباً نیمی از افراد معتقدند که حزب قدرت همین خود را از دست داده است و تاثیر قابل توجهی روی رویدادهای جامعه نمی گذارد.

برنامه و توانائی های سیاسی حزب:

نه تنها توانائی های سیاسی حزب بلکه اهداف و اصول هدایت کننده هم ایدئولوژیکی نیز مورد شک و تردید قرار گرفته اند. ۵۱ درصد سوال شوندگان معتقدند که در حزب اهداف تعیین شده برنامه های یا فیر قابل دسترسی هستند یا اثر آموزشی خود را از دست داده اند یا اینکه با پراتیک حزب مطابقت ندارند.

گذشته حزب:

بیش از ۶۰ درصد از سوال شوندگان در این نکته هماهنگی نظر دارند که حزب کشور را تماماً و یا در بعضی وجوه در یک راه اشتباه هدایت می کرد. تقریباً ۹۰ درصد بر این نکته اتفاق نظر دارند که اشتباهات حزب جلوی رشد اتحاد جماهیر شوروی را می گرفتند.

مسئولیت رهبری و اعضای حزب:

مسئولیت رهبری و اعضای ساده حزب بوسیله افکار عمومی به طریق گوناگون مورد ارزیابی قرار می گیرد. بیش از ۷۵ درصد مردم رهبری حزب را در بحران موجود آمده مسئول می شمارند. ۳۷ درصد رهبران قبلی را و ۲۹ درصد رهبران کنونی را - ۱۷/۴ درصد اعتقاد دارند که در رابطه با مشکلات امروزی مجموعه حزب (رهبران و اعضای ساده) گناه را بر گردن دارند.

سرچشمه بحران:

۱۰/۹ درصد این نظر را نمایندگی می کنند که سرچشمه بن بست های کنونی را باید در ایدئولوژی های سوسیالیسم (مارکس - انگلس - لنین و...) جستجو کرد. اتوریته حزب: حانظله اجتماعی نقش و اعتبار حزب را تقریباً فقط به دوره هائی ربط می دهد که دور آنها را هاله مقدس

اوضاع اقتصادی ایران از هنگام متارکه جنگ (۱۹۸۸) تاکنون بسیار وخیم تر شده است. این بدی اوضاع به مانند فتیله ای است که باعث انفجار محیب می شود و این ثبات ناپایدار کشور را بکلی از میان خواهد برد. موجودیت سیاسی و بقای رفسنجانی و الیگارش حاکم در معرض خطر قرار گرفته، اوضاع ایران کاملاً شبیه اوضاع اروپای شرقی قبل از سقوط رژیم های تمیلی کمونیست می باشد.

اعتراضات عمومی هم اکنون در سراسر ایران جنبه کلیت پیدا کرده، بیگانگی مردم از دولت که در نتیجه فشار و سرکوبی و محرومیت است در تزايد می باشد. چه موقع و تحت چه شرایطی یک قیام ملی و همومی در ایران صورت خواهد گرفت، قابل پیش بینی نیست ولی هرگاه اوضاع خطرناک فعلی ادامه یابد، قیام همومی فیر قابل اجتناب خواهد بود.

علاوه بر مشکلات مذکور در فوق، ادامه انزوای رژیم، عدم دسترسی به منابع مالی و فنی که مورد نیاز مبرم جهت بازسازی اقتصادی است، نیز مزید بر علت است.

توافق اخیر اقتصادی پر سرو صدای ایران با اتحاد شوروی برای جلب کمک های اقتصادی بیشتر جنبه ظاهری داشت تا واقعی. نظر به بحران اقتصادی و بقیه در صحنه

دموکراسی این آقایان!

بقیه از صحنه ۵

جمعیت و کف زدن چند بار گفت: "مرگ بر شاملوی دیوانه..." اینگونه برخورد با یکی از ارزشمندترین سرمایه های ادبی ایران، اینگونه برخورد با شاعر سالمندی که همه عمر خود را وقف خدمت به ادبیات مردمی کرده است، تنها به جرم آنکه چیزی مغایر آنچه آقایان می اندیشند بر زبان آورده است، برخوردی بسیار مشمئزکننده است. این برخوردها هیچ قربانی با ادعای این آقایان در زمینه آزادی و آزاداندیشی ندارد. اینگونه برخورد، تعدید اندیشه های آزاد است. به بند کشیدن اندیشه است. اشاهه جهودتگری است.

احمد شاملو در بخشی از مصاحبه ای که ایرج گرگین ترتیب داده بود در پاسخ این پرسش که ایده آل شما چیست؟ می گوید: "من ایده آلیست سیستم ولی به حرمت انسان عقیده دارم... جامعه باید بیدار شود. رای جامعه بی سواد به ضرر خودش است باید مبارزه فرهنگی صورت بگیرد. اما به خیلی چیزها امیدوار نیستم. سعی می کنم خدمتی کنم و صمیمی باشم. تنها توصیه ای که دارم این است که متعصب نباشیم.

یک نکته مهم

راست این است که منازعه فیرادبیانه سلطنت خواهان با شاملو در تفسیرهای متفاوت از قهرمانان اثر جاودانی و جهانی فردوسی تمرکز یافته است. اینگونه تفاوت تفسیرها در گذشته نیز بوده است. از جمله همان زمان که محمود فزونی فردوسی را مقضوب کرده، شاهنامه را آنگونه که فردوسی می پنداشت، ارزیابی نمی کرد. در آینده نیز این تفاوت در تفسیر باقی خواهد ماند. اما در منازعه کنونی این تفاوت تفسیر نیست که یک بحث ادبی تا حد یک برخورد خشن و فیرمتمدانه سلطنت طلبان با شاملو تنزل داده است، بلکه این امر ناشی از مبارزه بر علیه یال احیای سلطنت پهلوی است. واقعیت این است که سلطنت طلبان زیر لوای دفاع از فردوسی، از سلطنت پهلوی و احیای آن دفاع می کنند. حالیکه شاملو با آن مخالف است. این است آن بنیاد سیاسی که بر پایه آن تعاجم شدید سلطنت طلبان صورت می گیرد.

در سوابق حزبی در محیطهای آموزشی. ۲۵ درصد قبول دارند که دروس مربوط به حزب در دانشگاه ها باید مثل گذشته اجباری باشند. اکثریت ۵۵/۶ درصد اعلام میدارند که شرکت در این برنامه ها باید آزادانه باشد.

نمایندگان کمونیست پارلمان: نظر مردم درباره نمایندگان کمونیست پارلمان جالب است. آن ها اعتقاد دارند که این نمایندگان در درجه اول نه به ارگان های حزبی، بلکه در مقابل انتخاب کنندگان (۵۸/۴) یا به وجدان خود آگاه به وظیفه خود به عنوان یک عضو جامعه (۵۳ درصد) مسئول و جوابگو هستند.

در میان اعضای رهبری حزب بیشترین اعتماد به گورباچف (۵۴ درصد)، ریشکف (۳۸ درصد)، یلتسین و شوارنادزه (۱۲ درصد) است. اکثر نظرات منفی نسبت به شخصیت ها عبارتند از: لیگاجف (۳۰ درصد)، یلتسین (۱۱ درصد)، گارباچف (۹ درصد) تمیبه کنندگان مقاله پیوری اوادا، لئونید گورکف نشریه "خبر مسکو" - شماره ۵ سال ۱۹۹۰ مترجم بهرام

از همه آنچه که آمد نتیجه تلخی بدست می آید. این نتیجه گرچه تلخ است اما واقعیت است و باید بر آن تاکید شود که نموه برخورد سلطنت طلبانی که از احیای نظام سلطنتی ۲۵۰۰ ساله دفاع می کنند با شاملو که نظراتی مغایر خواست آنان به میان کشیده است، معیاری بدست می دهد که این آقایان تا چه اندازه با دمکراسی بیگانه اند و تا چه اندازه در تحمل عقاید و آرای مخالف ناتوان هستند. تاسف انگیز است که منتقدان به جای بحث مستدل با شاملو و نقد مدلل ایده های او، خود او را با طرح مسائلی نظیر این که او پیر شده، آسیب دیده، در تصادف معیوب شده و فیره، مورد حمله قرار دادند و سعی کردند که با ترور شخصیت او ایده های او را از سر راه بردارند. اما همه تاریخ بشر گواهی می دهد که با این گونه اقدامات نمی توان ایده ها را نابود کرد. برخورد این آقایان با شاملو نشانگر آن است که آنها این در سجدی تاریخ را نیاموختند.

در وای گفتار و رفتار این آقایان باید بر حقیقتی بزرگتر انگشت گذاشت که جان مایه این گونه رفتار و گفتار است. این حقیقت که در ایران - نه الزاماً در همه جا - سلطنت با دمکراسی در یک جانی گنجد و در تضاد با یکدیگرند. این تضاد همان منبع و مولد تنش جدی ای است که در این اواخر صفوف سلطنت طلبان را از هم جدا می کند.

در یازدهمین دوره بازی های آسیایی :

ورزشکاران زن ایرانی فقط در رشته تیراندازی

شرکت خواهند داشت

تیم ششای مردان نیز بدلیل مختلط بودن مسابقات شنا، به پکن اعزام نخواهد شد

دو چرخه سواری و تنیس روی میز، در این دوره از بازی های آسیایی شرکت خواهند کرد. در برخی از این رشته ها تیم کامل اعزام نخواهد شد. رئیس کمیته المپیک رژیم آخوندها در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که به دلیل مختلط بودن مسابقات مردان و زنان، تیم شنا به پکن اعزام نخواهد شد.

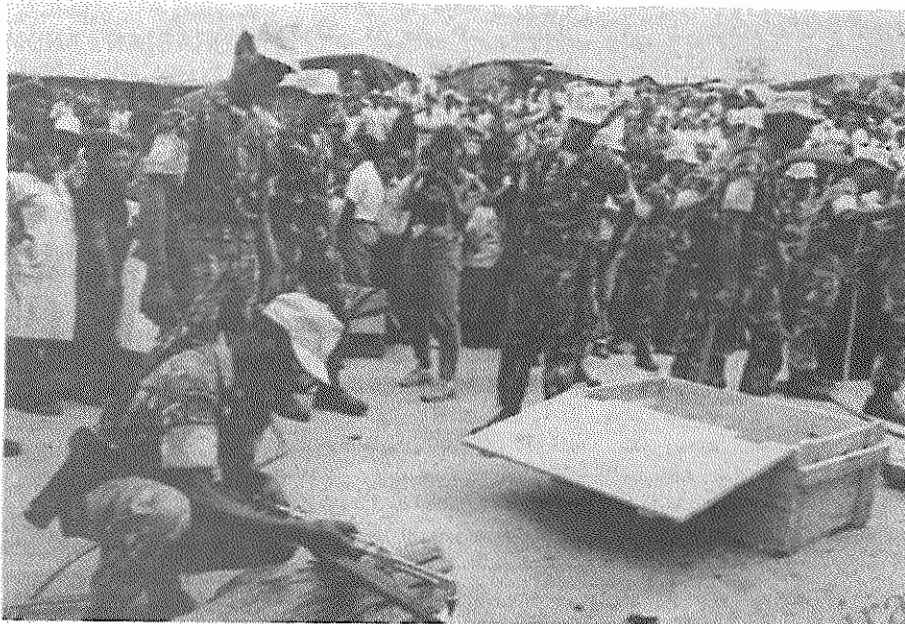
روز اول اردیبهشت رئیس و دبیر کل کمیته المپیک جمهوری اسلامی اعلام کردند در یازدهمین دوره بازی های آسیایی در پکن، ۱۷۰ نفر از ایران شرکت خواهند کرد. این افراد به عنوان ورزشکار و مربی و سرپرست، در رشته های فوتبال، کشتی، ژیمناستیک، قایقرانی، بستکبال، دو میدانی، جودو، شیرجه، واترپلو، تیراندازی، وزنه برداری،

نخستین کنفرانس مطبوعاتی

رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه

مطبوعاتی خود گفت هنگام تحویل گرفتن قدرت توسط دولت جدید، در خزانه بانک مرکزی نیکار اگوئه سه میلیون دلار موجود بوده است. نیکار اگوئه ۱۱ میلیارد دلار به خارج مقروض است. روزنامه باریکادا ارگان جبهه

ویولتاچامورو رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود پس از انتخابات شده بود. رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه اعلام کرد به زودی با



بخشی از نیروهای "کنترآ" در مندوراس

رهایی بخش ملی ساندنیست نوشت افراد کنترآ به چند تعاونی روستایی در شمال نیکار اگوئه حمله کرده و دهقانان را از این تعاونی ها رانده اند. تعاونی های مزبور توسط دولت ساندنیستی تاسیس شده بودند.

رهبری کنترآ برای ترقیب ضدانقلابیون به تحویل سلاحهای خود مذاکره خواهد کرد. هنوز هیچ یک از ۱۰ هزار نفر افراد مسلح کنترآ، سلاحهای خود را به نمایندگان سازمان ملل تحویل نداده اند.

آغاز دوره ریاست جمهوری اش، تایید کرد که او میرتاورتگا وزیر دفاع دولت پیشین فعلا فرمانده کل ارتش باقی خواهد ماند. چامورو افزود اورتگا تا وقتی سمت خود را حفظ خواهد کرد که رئیس جمهور تشخیص دهد دیگر خدمت وی ضرورتی ندارد. رئیس جمهور جدید نیکار اگوئه گفت اورتگا فرمانده ارتش در دوره خلع سلاح افراد کنترآ، در جهت حفظ آرامش و ثبات در ارتش فعالیت خواهد کرد. تصمیم چامورو به ابقای فرمانده ارتش، باعث بروز اختلافات در ائتلاف ۱۴ گانه احزاب حامی چامورو در

برای اشتراك نريات "كار" و "اكثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، نمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشريه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "كار"	يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
بهای اشتراك	سه ماهه	۲۱	۲۴
نشریه "اكثریت"	شش ماهه	۲۷	۳۰
	يك ساله	۵۲	۵۸
		۱۰۲	۱۱۵

آدرس كامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 303 MONDAY 7. May. 1990</p> <p>آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY</p>	<p>ساب بانکی AUSTRIA . WIEN BAWAQ (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER</p> <p>با جمع آوری کمک مالی فدانیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>
--	--

لغو مقررات فوق العاده در افغانستان

محمدنجیب الله رئیس جمهور افغانستان مقررات فوق العاده را که از آغاز خروج نیروهای شوروی در سال ۱۳۶۷ برقرار شده بود لغو کرد. نجیب الله همچنین یک کمیته ۱۵ نفری را مامور تدارک اجلاس "لویه جرگه" شوروی ملی بزرگ نمایندگان مردم افغانستان نمود. قرار است در این اجلاس تغییرات مهمی در قانون اساسی افغانستان داده شود. کمیته ۱۵ نفری منتصب از سوی رئیس جمهور افغانستان، به ریاست عبدالرحمان هاتف معاون نجیب الله خواهد بود که عضو حزب حاکم دمکراتیک خلق نیست. در اجلاس لویه جرگه، ۸ هزار نماینده از مناطق و قبایل مختلف افغانستان شرکت خواهند کرد.

فریدمزدک جوان ترین عضو دفتر سیاسی حزب دمکراتیک خلق افغانستان اعلام کرد اصل دایر بر رهبری حزب از قانون اساسی حذف شده، پولوالیسم سیاسی و اقتصادی در کشور برقرار خواهد شد و سرمایه گذاری خارجی مورد تشویق قرار خواهد گرفت.

در فروردین ماه، دولت افغانستان اعلام کرد پنج میلیون آواره افغانی در کشورهای خارجی در صورت بازگشت به کشور خود، اموالشان را پس خواهند گرفت. کابل برای برگرداندن مهاجران افغانی به افغانستان ابراز آمادگی کرد. فریدمزدک در انتقاد از

یورش و حشيانه پلیس ترکیه به تظاهرات اول ماه مه

پلیس ترکیه با یورش و حشيانه ای به تظاهرات اول ماه مه، ۳۳۰۴ تن را دستگیر و ۵۰ نفر را مجروح کرد. یک دانشجوی دختر دانشگاه صنعتی استانبول، در نتیجه ضربات پلیس به ستون فقراتش، برای همیشه دچار فلج خواهد بود.

روزنامه های ترکیه با چاپ عکسهایی از وقایع اول ماه مه، ابعاد وحشیگری نیروهای رژیم را نشان داده اند. این عکسها، نظامیان مسلسل به دست، افراد پلیس که با توم های خود را بالا برده اند، مردمی که زیر ضربات باتوم به زمین افتاده اند را نشان می دهد.

شمار دستگیرشدگان کم سابقه است: در سال ۱۹۸۸، مراسم اول ماه مه با ۸۵ دستگیری همراه بود. سال گذشته این رقم به ۵۵۰ تن رسید و اینک از ۳ هزار تجاوز کرده است.

رهبر سندیکای کارگران شهرداری استانبول پس از تظاهرات گفت: "البته ما حدس می زدیم که پلیس به تظاهرات حمله خواهد کرد، اما نمی دانستیم که این چنین به خشونت متوسل خواهد شد." این رهبر سندیکایی به هلت دعوت به تظاهرات غیرقانونی تحت تعقیب قرار گرفته است.

اینک صد هاتن از بستگان بازداشت شدگان اول ماه مه روزو شب را در برابر ساختمان مرکزی پلیس استانبول به سر می برند تا از سرنوشت دستگیرشدگان اطلاع یابند. تا پایان هفته گذشته نزدیک به ۱۷۰۰ نفر هنوز در بازداشت بودند. دستگیرشدگان را در مقر



صد هزار نفر از اهالی مسکو اول ماه مه، روز جهانی کارگران را در میدان سرخ مسکو جشن گرفتند. جمعیتی نزدیک به دو هزار نفر نیز به هنگام حضور گاریاچف به میامو و اهتراض پر داختند.

اخبار کوتاه جهان

* در آستانه از سرگیری مذاکرات صلح در السالوادور، انقلابیون این کشور چهارشنبه گذشته عملیات جدیدی را آغاز کردند. نیروهای جبهه رهایی بخش ملی قارابوندو مارتی دست به حملاتی علیه مواضع ارتش در سان سالوادور و چند شهر دیگر زدند. طبق گزارشهای اولیه، دهها تن از دو طرف کشته یا مجروح شدند. جبهه قارابوندو مارتی اعلام کرده است هدف از حمله جدید، اهتراض به نقض حقوق بشر از سوی ارتش است.

* جوزف آنتال، رهبر "جمع دمکراتیک" حزب محافظه کاری که در انتخابات مجارستان بیشترین آرا را به دست آورد، از سوی پارلمان این کشور مامور تشکیل دولت شد. آریادگونچ رهبر لیبرالها که پس از محافظه کاران بیشترین کرسی ها را در مجلس در اختیار دارند، به ریاست پارلمان انتخاب گردید. قریب به اتفاق آراء قیام سال ۱۹۵۶ را به عنوان انقلاب گرامی داشت و سالگرد آن را روز ملی اعلام کرد.

* پارلمان فرانسه طرح قانونی علیه نژادپرستی را که توسط فراکسیون حزب کمونیست به مجلس ملی ارائه شده بود، تصویب کرد. به موجب قانون جدید، هر کس که به خاطر تحریک به نفرت نژادی یا خشونت نژادی در دادگاه محکوم شود، به مدت پنج سال از انتخابات شدن به ریاست جمهوری و نمایندگی و نیز

استخدام در ادارات دولتی محروم خواهد بود. همچنین طبق این قانون انکار جنایات رژیم هیتلری، جریمه نقدی تا ۳۰۰ هزار فرانک و یا محکومیت زندان به دنبال خواهد داشت. لوپن، رهبر فاشیست های فرانسوی طرح جدید را مخالف قانون اساسی خواند و خواهان "مقاومت" در برابر آن شد. در حال حاضر یک دادگاه فرانسه در تدارک محاکمه لوپن به هلت تحریک به نفرت نژادی است. قانون جدید باید به تصویب سنای فرانسه نیز برسد. در سنا اپوزیسیون راست اکثریت دارد. راستگرایان اعلام کرده اند قانون جدید را تصویب نخواهند کرد.

* در صنعا پایتخت یمن شمالی اعلام شد یمن جنوبی و یمن شمالی در روز ۲۷ ماه مه وحدت خود را اعلام خواهند کرد. قرار بود وحدت دومین در نوامبر سال جاری انجام بگیرد. پایتخت یمن متحد، صنعا خواهد بود. در ۲۷ ماه مه، برای یمن پارلمان موقت جدیدی تشکیل خواهد شد.

* بدینال چند اکتساب کوتاه در صنایع فلزات آلمان غربی، از جمله کارخانه اتومبیل سازی اوپل، نمایندگان اتحادیه های کاری و کارفرمایان در مورد قرارداد جمعی جدید به توافق رسیدند. این توافق پیش بینی می کند ساعات کار هفتگی که اینک ۳۷ است، از ۱۹۹۳ به ۳۶ و از ۱۹۹۵ به ۳۵ کاهش یابد. همچنین دستمزد کارگران این رشته از اقتصاد آلمان غربی از ماه آینده ۶ درصد افزایش خواهد یافت. مفتکار ۳۵ ساعته از سالما پیش یک خواست اصلی جنبش کاریگری آلمان فدرال بوده است. پیش بینی می شود سایر رشته های صنایع نیز از قرارداد جمعی رشته فلزات تبعیت کنند.